

سردار معظم - بنده در این ماده اشکال کوچکی دارم و آن سن (۱۸) ساله است چنانچه در این موضوع مکرر عرض کرده ام سن ۱۸ ساله را کوچک میدانم اگر در مملکت خودمان تاریخ و شهادت نامه تولد میداشتیم که بطور قطع میتوانستیم (۱۸) ساله معین کنیم بنده مخالفت نمیکردم و چنانچه در پیشنهاد خودم پیشنهاد کرده ام نظر بنده این است که اگر سن را یک قدری بالاتر بگیریم و ۲۰ ساله قرار بدهیم ممکن است در عمل ۱۸ ساله را بپذیریم زیرا یک جوانی که میگویی من ۲۰ سال دارم بطور تحقیق نمیشود معین کرد که ۱۸ سال دارد یا ۲۰ سال ولی همیشه یک دو سالی بالاتر یا پایین تر میتوان معین کرد ولی اگر ماخذ ۱۸ سال باشد میترسم تنزل به ۱۶ و ۱۵ سال شود و این اندازه سن کم است و تصدیق خواهند فرمود که جوان ۱۶ و ۱۵ ساله بدرد سرباز نمی خورد حالا اگر موافقت بفرمایند که سن ۲۰ معین شود که فرضاً در عمل هم همان ۱۸ ساله داخل شود و کمتر از ۱۸ ساله داخل نشود بعقیده بنده بهتر است .

مخبر - همانطوریکه آقای سردار معظم میفرمایند در مملکت ما مخصوصاً در ایالات و دهات تعیین سن اشخاص خیلی مشکل است ولی از کجا معلوم شد که ۱۸ ساله به ۱۵ و ۱۶ تنزل میکند و به ۲۰ و ۲۲ ترقی نمیکند بنده گمان میکنم چون ۱۸ یک سن معینی است و تمام اینها آنرا قبول کرده اند (با اینکه در اروپا دیرتر بعد بلوغ میرسند تا آسیائی ها و ممالک حاره با این وصف آنها (۱۸) ساله را قبول کرده اند) در مملکت ما بطریق اولی هیچجده یک سنی است که می توانند همه کاری بکنند یعنی بدرد خدمت نظامی بخورد اگر ماخذ ۲۰ باشد شاید به ۲۳ و ۲۴ تجاوز کند و آنوقت یک همچو سربازی البته فامیل دارد خانواده دارد و نمی تواند کماینبنی از عهده خدمت نظامی بر آید و در تمام جاها دقت میکند که سرباز از کسانی باشد که مجرد باشند و بایک خیال سالمی بتوانند خدمت نظامی را انجام بدهند بنده مخالفت ندارم که ۲۰ سال باشد ولی تصور می کنم چون مطابق قرارداد تمام دنیا است ۱۸ سال را تغییر ندهیم .

مدحت السلطنه - بنده در جزه اول با آقای سردار معظم موافقم که سن ۱۸ سال کافی نیست و باید ۲۰ سال باشد و در جزه ثانی که میگویند تا ۲۸ بنده عقیده ام اینست که تا سی سال باشد و چون از ۲۰ تا سی یک حدی است که میتواند بخوبی از عهده خدمات نظامی بر آید .

معاون وزارت جنگ - تکیه قوانین ایران باید بشرع باشد زیرا شرع حد بلوغ برای تکالیف مذهبی که یکی از آنها جهاد است معین کرده است و این حدی که وزارت جنگ گرفته است بالا دست آن حدی است که در شرع معین شده و دو سال هم زیادتر گرفته است و تصور نمی کنم ماخذ کمی باشد چون اساس قشون گیری مملکت اسلام باید تابع اصول فقه باشد تکیه بعضی قسمتهای این ماده بآن مطالب و نکات مسلمانی است ممالک دیگر این نکات را از اسلام اقتباس کرده اند و ما خودمان بآنچه داریم لگد میزنیم .

رئیس - چون آقایان باید کمیسیونها را معین کنند اگر صلاح میدانند مذاکرات را در همین جا ختم کنیم یک پیشنهادی از طرف آقای سردار معظم

رسیده است قرائت میشود و بعد جلسه را ختم می کنیم .

(بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم: در ماده پنج فقره سن از ۲۰ الی سی نوشته شود .

رئیس - آقای مخبر قبول دارید ؟

مخبر - خیر .

رئیس - پس باید بقابل توجه بودنش رأی بگیریم .

سردار معظم - اجازه میفرمائید توضیح بدهم ؟

رئیس - بفرمائید

سردار معظم - دلایلی که ذکر شد هیچ کدام بنده را قانع نکرد حتی اینکه آقای معاون که متوسل بقوانین شروع شدند برای اینکه حتماً ۱۸ ساله باشد و بیست ساله نباشد اولاً در تمام جاها این حد بطور واحد نیست که حتماً هر کس بسن ۱۸ رسیده داخل خدمت شود تا بیست و یکسال هم هست بر فرض هم که در سایر جاها که ۱۸ سال را برای خدمت نظامی قبول کنند در آنجا مقتضیاتی هست که در اینجا آن مقتضات مفقود است اولاً در پاره جاهای خدمت نظامی اجباری و عمومی است و میخواهند دامنه عده نفرات را که داخل نظام میشوند وسیع کنند ولی در اینجا خدمت نظامی ما اجباری خصوصی است حتی ماهمه ساله یک عده جوانهای خودمان را معاف میکنیم پس ما این احتیاج را نداریم و ثانیاً چنانچه عرض کردم و میفرمائید در مملکت ما میشود بطور تحقیق سن را معین کرد و اگر بگویند ۲۱ ساله باشد بهتر قبول خواهیم کرد بجهت اینکه تازه بعد رشد رسیده و قوایش زیادتر و بهتر میتواند از عهده خدمت بر آید ولی میترسم که برعکس اگر کمتر بگویند بد بشود یعنی وقتی که در قانون ۱۸ سال را معین کردیم آنوقت معلوم نیست بچه ترتیب ممکن است ما بین ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ ساله فرق گذاشت پس بهتر این است که در قانون یک قدری سن را زیادتر معین کنیم که در عمل همان ۱۸ ساله هم داخل خدمت نظامی شود پس از این نقطه نظر همان طوریکه ما بین ۱۸ و ۲۸ ده سال فاصله است از بیست تا سی قرار بدهیم بهتر است و اینکه آقای مخبر فرمودند ۱۸ یک عدد معینی است بنده عرض میکنم شاید عدد بیست از حیث اعداد منظم تر و مرتب تر باشد پس از این نقطه نظر هم که باشد خوب است همانطوریکه در پیشنهاد های سابق موافقت کردند در این پیشنهاد هم موافقت کنند بجهت اینکه تصور میکنم این پیشنهاد با مطالعه اطراف کار نوشته شده است .

رئیس - رأی میگیریم در قابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند .

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد .

ناصر الاسلام - بنده هم یک پیشنهادی در ماده دوم کرده بودم

رئیس - میفرستم بکمیسیون جلسه آتی روز ۳ شنبه سه ساعت بغروب مانده دستور آن بقیه شور در قانون سرباز گیری خواهد بود آقایان که تشریف میبرند اولاً باید تشریف ببرند بشعبات هیئت رئیسه

شعبات را معین بفرمایند بعد بیایند کمیسیون هارا معین کنند .

سردار معظم - خوب است ناظر کمیسیونها را هم تعیین بفرمائید .

رئیس - معین میکنم آقای آقامیرزا هاشم بموجب ندی که کرده اند باید بحضرت معصومه قم سلام الله علیها مشرف شوند و اجازه مرخصی یازده روز خواسته اند کمیسیونهم تصویب کرده است باید رأی بگیریم آقایانیکه مرخصی ۱۵ روزه ایشان را تصویب میکنند قیام نمایند .

(عده کثیری قیام و دند)

رئیس - تصویب شد - حالا نظار برای استخراج آراء اعضاء کمیسیونها معین میشوند (آقایان نظام السلطان - دکتر حسینیقلی خان - حاج عز الممالک بحکم قرعه معین شدند)

حاج شیخ یوسف - بنده در سه جلسه قبل از مقام ریاست مجلس شورای ملی استدعائی کردم که آقای رئیس الوزراه را بمجلس شورای ملی دعوت فرمایند که بنده دوسه سؤال راجع باوضاع بنادر از آقای رئیس الوزراه بنمایم نمی دانم دعوت شده اند یا خیر .

رئیس - هر وقت سؤالی داده شود فوراً نوشته میشود کوتاهی نشده است .

حاج شیخ یوسف - پس بنده استدعا میکنم که تا کید بفرمائید زودتر تشریف بیاروند و این چند سؤالی بشود

رئیس - بسیار خوب تأکید میشود (مجلس مقارن غروب ختم شد)

جلسه ۷۴ام

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه دوم شهر ذی حجه ۱۳۲۳

مجلس یکساعت ونیم قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤمن الملك تشکیل و بصورت مجلس روز یکشنبه بیست و نهم ذیقده قرائت شد

غائبین با اجازه - حاج سید اسدالله قزوینی مشارالدوله - ناصر الاسلام - منتصر السلطان - مبصر الملك آقای شیخ رضا دهخوداقرانی

غائبین بدون اجازه - نجفقلی میرزا - محمد هاشم میرزا - شیخ الملك

رئیس - در صورت مجلس ایرادی هست یا نیست ؟ (ایرادی نشد) ملاحظاتی نیست صورت مجلس تصویب شد - دستور امروز بقیه شور اول در قانون سرباز گیری است از ماده ششم

(ماده مزبور بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ششم - کلیه افراد بنیچه تا درجه شمشیر بند در سن چهل و پنج سالگی از خدمت صف معافند

حاج سید رضا - چرا در سن چهل و پنج سالگی باید معاف باشند و حال آنکه حسن خدمت آنها از سن چهل تا پنجاه است خوب است قرار داده شود از سن پنجاه سالگی معاف باشند

معاون وزارت جنگ - توانائی افراد قشون از سن چهل بیمه رو بانحطاط میگنارد ولی در این اواخر که ملل مسلحه بقاء و دوام خودشانرا بزور قوه نظامی دانستند امروز قوه نظامی بنام ملل مسلحه نامیده شده اند از چهل تا چهل و پنج تجاوز کرده

چنانچه که از بیست هم تا هیجده نازل کرده اند و این ترقی و نازل برای این بوده است که عده نظامی خودشانرا زیاد کنند ولی امروزه در مملکت ما هیچ احتیاجی نیست بهلاوه شخص از سن چهل و پنجاه بالا نمی تواند با جوانان رفاقت نموده و استنادگی نماید یعنی در این سن دیگر برای افراد توانائی نیست و آدم پنجاه ساله نمی تواند با آدم بیست ساله هم صف بوده و جنگ کند

حاج سید رضا - فرمودند - (ملل متمدنه تا سن چهل و پنجاهگی را اختیار کرده اند) ما که مردمان خودمان را می بینیم میدانیم که از سن چهل تا پنجاه قویشان اطلاعاتشان همه چیزشان بهتر از بیست ساله است در این صورت بنده تقاضا میکنم تا سن پنجاه سالگی معین شود

رئیس - ملل متمدنه نگهتند متنوعه گفتند

حاج سید رضا - بنده اشتباه کردم .
سردار سید علی خیر - آنچه گفته شد ملل مسلحه گفته شد یعنی مللی که در تحت نظام اجباری باشند و خدمات نظامی را بیک ترتیب مخصوص اجرا میکنند و الا البته ما هم جزو ملل متمدنه هستیم اما اینکه میفرمایند تا پنجاه سال معین شود باید بدانند که برای سرباز قوای دفاعی لازم نیست قوای بدنی لازم است و معقوف شده است که افراد از چهل و پنج سال بیلا خدمات صعبه نظامی رانی توانند متحمل شوند مثل اینکه در سایر ممالک هم سرباز های چهل و پنجاهه را میدان جنگ نمیفرستند از برای نگاه داری قلاع و معابر و حفظ راه هائی که گرفته اند بقراولی میگذازند مسلم است که سرباز چهل و پنجاهه بدرد خدمت جنگی نمیخورد بلکه از چهل بیلا هم همبطور است .

رئیس - ماده هفتم قرائت میشود .
(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده هفتم - احضار و مرخصی افراد بنیچه برای صنوف مختلفه نظامی با تشخیص وزارت جنگ بحکم وزیر جنگ است .

رئیس - در اینجا مخالفی هست ؟ (اظهاری نشد) ماده هشتم قرائت میشود .
(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده هشتم - مدت خدمت افراد قشونی دقیقه نباید متجاوز از دو سال باشد .

رئیس - در ماده هشتم مخالفی هست (مخالفی نشد) ماده نهم قرائت میشود .
(بمضمون ذیل خوانده شد)

ماده نهم - تعیین افراد قشونی هر محلی مطابق بنیچه از اشخاص یا دار یا مراعات شرایط (ماده ه) حتمی الامکان مستقیماً از طرف مأمورین سر باز گیری بعمل آمده در صورتی که عده اشخاص دارای شرایط مزبوره باضافه بر مأخذ بنیچه محل باشد عده لازم باقره معین میشود .

حاج شیخ اسدالله - عقیده بنده این است که این ماده با اصطلاح جان کلام است و باید در اینجا آقایان خیلی دقت کنند در این ماده بوزارت جنگ اختیار می دهد که خودش هر کس را می خواهد از اشخاص یا دار انتخاب و تعیین نماید آنچه بنده تصور میکنم مراد از اشخاص یا دار این است که مالک ملک و صاحب بنیچه باشد صاحبان بنیچه متخلفه بعضی

از دهات و قراوه و قصبه است که بنیچه بین مالکین تقسیم میشود و با اصطلاح بنیچه خیلی خورد میشود مثل اینکه در یک دهی که باید ده نفر سرباز بدهد شاید مالکین آن ده صد نفر باشند در اینصورت باید این صد نفر ده نفر سرباز را متحمل شوند و راه بیانندازند و به مأمورین دولت تسلیم کنند در یک مورد دیگر یک دهی هست که مال یک نفر است و مطابق این ماده مالک آن ملک که صاحب بنیچه است باید آن ده نفر سرباز را تهیه کند اگر بگویند در اینجا مراد از اشخاص پاداران رعیتی است که در آن ده رعیتی میکنند عرض میکنم این اشتباه است زیرا آن رعیت یک شخص مزدوری است و صاحب بنیچه و ملک و آب نیست فقط یک قسمت از زراعت را میبرد و در آنجا مزدوری میکند هر وقت فشاری باو بیاورند ممکن است از آن رعیتی صرف نظر بکنند و برود بخیال خودش آزاد باشد پس این سرباز تحمیل بر صاحب بنیچه (که مالک است) میشود در اینصورت نمیدانم چطور تصور میشود که خود وزارت جنگ در آنجا بتواند افراد قشون را انتخاب کند در صورتیکه مالک بکنفر است و شاید یک نفر جوان هم نداشته باشد و خودش هم پنجاه یا شصت سال داشته باشد در اینصورت چطور سرباز بگیرند ؟ پس چیزیکه ممکن است در این مورد تصور شود و راه حلی برایش پیدا شود این است که مالک از میان رعایای خودش یا اهالی آنجا این عده سربازی را که باید مطابق این مواد و شرایط تهیه کند معین میکند و بمأمورین وزارت جنگ معرفی میکند اگر آن سرباز دارای شرایط بود که وزارت جنگ میبیزد و مالک آن ملک ضمانت و کفالت او را میکند باین معنی که اگر آن سرباز فرار کند یا اسلحه دولت را ببرد عوض میدهد پس در اینصورت وزارت جنگ نمیتواند مستقیماً از مالک و صاحب بنیچه سرباز بگیرد پس مطلبی راجع میشود بآن مواردیکه خورده مالک دارد (یعنی یک دهی که باید ده نفر سرباز بدهد و صد نفر مالک دارد) در این مورد صلیت در سابق مختلف و محل ابتلائی ما بود یک قسم این بود که از مالکین یک حق السکوتی میگرفتند و مالکین یکمده اشخاص را با این شرط معرفی میکردند و در صورتیکه دارای شرایط بودند مأمورین وزارت جنگ می پذیرفتند و مثل یک ملکی که یک مالکی داشته باشد و با مالکین جزء رفتار میکردند و آنها هم آن سرباز را ضمانت و تکفل میکردند و بوزارت جنگ تسلیم مینمودند بعضی از مواردی که یک قدری مأمورین میخواستند بد اخلاقی کنند آن ده مورد تاخت و تاز بود یعنی مأمورین وزارت جنگ میفرقتند در فلان قریه که باید ده نفر سرباز بدهد تمام جوانها و اشخاص را که می توانستند از آنها دخلی ببرند یکان یکان باسم سرباز میگرفتند و در بعضی مبلقی از آنها میگرفتند و قطع نظر میکردند بهمین ترتیب یک مبلغ کلی از این ده یا از این قصبه از رعیت بیچاره پول میگرفتند آنوقت یک عده اشخاص را هم که لازم داشتند مالکین میآوردند بمأمورین تسلیم میکردند و آنها هم میپذیرفتند مثل این که امروز هم همینطور شکایات از اهالی اصفهان و جاهای دیگر میرسد و خود آقای مومن اینجا تشریف دارند و شاهدان قضیه هستند که شکایت میکنند و میگویند مأمورین وزارت جنگ با اسم اینکه ما باید خودمان سرباز را معین کنیم استفاده می نمایند باید یک

شرایطی از برای سرباز معین کرد که از سن بیست تا سی باشد مریض نباشد ناقص الخلقه نباشد چه نباشد چه نباشد یادار باشد مثلاً یاداری بچه معین میشود و باین معنی میشود که مالکین جزء کفالت و ضمانت او را بکنند که این سربازی را که ما تسلیم میکنیم اگر فرار کرد ما که مالکین این ده و صاحب بنیچه هستیم از عهده بر میابیم و فوراً عوض او را میدهیم یا اگر اسلحه دولت غیب کرد فوراً عین یا مثلش معمول است) که خود وزارت جنگ بدهند که در هر مورد یک سرباز مدخله کند بجهت اینکه البته دولت در تعیین سربازهای خوب از مالکین محل ذینفع تر است بنا بر این دقت دولت در تعیین سرباز زیاد تر خواهد بود .
اما برای جلوگیری از متمدناتی که فرمودند اگر دقت میفرمودند در خود ماده هم میگوید (که از طرف مأمورین سرباز گیری بعمل خواهد آمد) و مأمورین سرباز گیری هم یک هیئتی خواهد بود و همان صاحب منصب یا سلطان قدیم نخواهد بود که منفرداً بعمل برود و هر کاری دلش میخورد بکنند یک هیئت مخصوصی مأمور سرباز گیری میشوند که یک نفر از آنها از طرف وزارت جنگ معین میشود بوزارت جنگ سرباز بدهند و وزارت جنگ هم به پذیرفتن آنها مکلف باشد در اینصورت آن اشکالاتی که بنده خصوصیات و جزئیاتش را عرض کردم و ممکن است برای مردم و رعایا فراهم شود رفع میشود و دیگر هیچ اختلافی باقی نمی ماند .

سردار معظم - بنده تصور می کنم اگر یک قدری آقای حاج شیخ اسدالله دقت می فرمودند بالطبع این اشکال وارد نبود اینکه فرمودند دولت سرباز یادار باید بگیرد و خود مالکین باید سرباز بدهند و در یک ملکی که دولت بنده نفر سرباز محتاج باشد و یک مالک داشته باشد و آن مالک باید ضمانت بکند و این عده سرباز را بدهد آنطور نیست بجهت اینکه این قضیه راجع بمالک نیست و دولت هم با مالکین طرف نیست برای اطلاع آقا عرض میکنم آنچه در این ماده نوشته شده است چیز تازه نیست و تذکرتون معمول بوده است منتها بعضی مستنبیات داشته که مطابق این قانون باید حذف شود تا بحال سرباز گیری دو قسم بود در بعضی جاها مأمورین سرباز گیری مداخله مستقیم داشتند و در بعضی از محلهها مداخله مستقیم نداشتند و بمالکین محل اطلاع میدادند که شما باید فلان عده سرباز بدهید خودتان معین کنید بنده اعتراف میکنم که در هر دو مورد اشکال وارد بود و اشکال هر دو را عرض می کنم در قسمت اول یعنی در مواردیکه مأمورین دولت مستقیماً از محل سرباز می گرفتند یک اشکالات اخلاقی وارد بود و باید این نکته در نظر آقایان باشد که اشکالات اخلاقی مربوط بقانون گذاری نیست بجهت اینکه این اشکالات را نمی شود با قانون رفع کرد باید بوسائل دیگر رفع شود اما در شکل تانی (یعنی واگذار کردن تعیین سرباز بمالکین) یک اشکال خیلی واضح بودی در عده نشان داد چون البته تصدیق خواهند فرمود که سرباز شدن یک تحجیلی است و یک چیز خوبی نیست که یکمده اشخاص زراعت و خانه خودشان را بگذارند و بیایند سرباز شوند پس معلوم است اگر تعیین سرباز بمالکین یا بر رعایای محل واگذار شود حتی الامکان در آن محل می کردند و یک کسی را که نه بدرد زراعت و نه بدرد رعیتی و بعبارة آخری بدرد هیچ چیز نمی خورد و

تعیین میکنند و بدولت تحویل میدهند چون شرایط سرباز گیری فقط همین چهار شرط نیست که در قانون معین شده است بعضی شرایط دیگری هم هست که چون خیلی مفصل و مشروح است موکول بنظامنامه شده است پس وقتی که ما منافع و مضار هر دو را ملاحظه کنیم و اطراف کار را بسنجیم تصدیق خواهیم کرد (و حقیقتاً هم همینطور است و در همه جا هم معمول است) که خود وزارت جنگ باید در اخذ سرباز مداخله کند بجهت اینکه البته دولت در تعیین سربازهای خوب از مالکین محل ذینفع تر است بنا بر این دقت دولت در تعیین سرباز زیاد تر خواهد بود .
اما برای جلوگیری از متمدناتی که فرمودند اگر دقت میفرمودند در خود ماده هم میگوید (که از طرف مأمورین سرباز گیری بعمل خواهد آمد) و مأمورین سرباز گیری هم یک هیئتی خواهد بود و همان صاحب منصب یا سلطان قدیم نخواهد بود که منفرداً بعمل برود و هر کاری دلش میخورد بکنند یک هیئت مخصوصی مأمور سرباز گیری میشوند که یک نفر از آنها از طرف وزارت جنگ معین میشود البته مالکین و متنفذین هم بی مداخله نخواهند بود پس با همین یک هیئتی برای سرباز گیری آن ممالکی را که فرمودند رفع میشود اما با واگذار کردن تعیین سرباز بخود مالکین اشکالاتی در عمل پیدا خواهد شد که از آن جمله ممکن است یک اشخاص بیه مصرف و اشخاص که بدرد خدمت نظام نخورند داخل در خدمت نظام میشوند ایشان آن بیاناتی که فرمودند (که اگر ارباب محل از سرباز ضمانت بکنند) دیگر هیچ ایرادی وارد نیست بنده عرض میکنم که محتاج ضمانت نیست بجهت اینکه مالک مسئول سرباز دادن نیست هر محلی مسئول سرباز دادن خودش است و بدون ضمانت بعضی آن سرباز از میان رفت آنمحل مطابق قانون مکلف است عوض آن سرباز را بدهد در اینصورت بآن ضمانتی که فرمودند احتیاجی نیست پس وقتیکه بطور خلاصه مطالبی را در نظر بگیریم قهراً مجبور خواهیم بود (یعنی اگر آقا یک قدری بعملیات قشونی نزدیک بودند) تصدیق میفرمودند که منفعت دولت در این است که خودش سرباز را تعیین کند و شاید در بعضی جاهها همینطور باشد ولی معلوم است در همه جا نیست با وجود آن ممالیکی که فرمودند باز بهتر این است تعیین سرباز بدولت واگذار شود و بنظر مالکین و رعایا واگذار نشود .

آقای سید فاضل - معلوم است که سرباز یک نوع مالیاتی است بنده هم در آن جهتی که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند با این ماده مخالفم بواسطه اینکه عملیات قدیم را که تا بحال دیده ایم همیشه اختیار تعیین سرباز با مأمورین قشون گیری بوده است و دیده ایم چه اجحافاتی در محل میکردند وقتیکه وارد محل میشدند و میفهمیدند که بعضی اشخاص در آنجا هست که میتوان از آنها استفاده کرد مثلاً فلان حاجی زاده و کدخدای زاده است یا فلان آدمی که یک املاک دارد و از برای سربازی حاضر نیست اینرا وسیله استفاده قرار میدادند اینکه آقای سردار معظم فرمودند مأمورین سرباز گیری یک نفر نخواهد بود و یک هیئتی خواهد بود بنده باز اشکال را زیاد تر میدانم بجهت اینکه اگر یک نفر بود چندان اشکالی نداشت و بکمی قانع میشد حالا چون زیادتر است

البته باید بیشتر استفاده کنند پس بعد از آنکه گفتیم سرباز هم یک نوع مالیاتی است در مالیات حق ادا با مؤدی است اینجا هم خود صاحبان بنیچه بعد از اینکه با شرایطی که نوشتیم یعنی اصول شرایط را (چونکه بعضی شرایط هست که مستحب است و میشود اغماض کرد) خود صاحبان بنیچه باید موافق شرایطی که در قانون ثبت شده اشخاص را حاضر کنند اما آن مسئله که بعضی املاک هست که مالکین کل دارد و مالک جزء ندارد بله دولت سرباز را از محل بگیرد و لکن در جا هائی که خورده مالک ندارد و مالک کل دارد این یک تحجیلی است بر آن مالک چون اگر مقصود از یاداری علاقه مندی و ذینفع بودن از ملک است بعضی اشخاص خوش نشین در آن محل هستند که صاحب ملک کفالت و ضمانت از آنها میکنند در اینصورت چه عیب دارد که ما ضمانت و کفالت صاحب ملک را کافی بدانیم در این خصوص بنده پیشنهادی هم کرده ام و بمقام ریاست فرستاده ام .

مخبر - آقایان شرحی میفرمایند که بعد از آن توضیحی که آقای سردار معظم دادند گمان میکنم موقع نداشته باشد مثلاً میگویند صاحب منصب ها بدعات میفرستند و از مردم چیز میگیرند و چه چه میگردند بنده عرض میکنم همیشه باید دقت در قانون و قانون گذاری کرد البته وقتی قانون وضع میشود یک مجازاتی هم در مقابلش هست این مطلب را در نظامنامه وزارت جنگ کاملاً معین کرده و بموقع اجرا خواهند گذاشت چنانکه قبلاً در کمیسیون برای آقایان توضیح داده شد مثلاً در اینجا فقط میگوید باید دولت سرباز را از محل بگیرد و بیش از این گفته نمیشود اما وقتیکه بنظامنامه داخلی وزارت جنگ رجوع شود معلوم میشود که یک نفر نماینده از طرف وزارت جنگ باید مأمور گرفتار سرباز شود بیک نفر نماینده یعنی صاحب منصب آن دسته باید همراه باشد بکنفر نماینده هم از طرف وزارت داخله و حکومت باید باشد یک نفر هم از طرف وزارت مالیه هست ملای محل هم هست یک نفر هم طبیب برای معاینه سرباز باید باشد پس وقتی که یک جمعیتی که مرکب از شش هفت نفر هستند از برای گرفتن سرباز بعمل میروند باید انتخابی را که آنها میکنند دیگر اعمال آن غرضهائی که تصور میشود نشود البته اگر بهمان ترتیبهای قدیم بود که یک نفر صاحب منصب بقبل و دفاع خودش هر کس را میخواست می گرفت و هر کس را که میخواست رد میکرد شاید این ایراد آقایان وارد بود ولی با این نظامنامه که وزارت جنگ معین میکند گمان میکنم هیچ ایرادی وارد نباشد از یکطرف میفرمایند آن شرایط در سرباز موجود باشد از یکطرف میگویند خود مالک میآورد بدهد اگر باختیار خود مالک باشد بعضی مفاسد دارد مثلاً ممکن است در بکنفر تمام شرایط سربازی موجود نباشد مثلاً اخلاقی فاسد باشد یادزدی کرده باشد البته اگر دزد باشد بدرد سربازی نمیخورد باین صاحب منصب نمیتواند بدون شرایطی که در قانون معین شده است او را قبول کند اینکه میفرمایند مالک باید سرباز بدهد و رعیت خوش نشین مزدور است اینطور نیست مالک حشش اینست که آن مقدار وجه یا غلغله که باید بسرباز بدهد ادا کند بلی رعیت در دهات و قسم است یا خوش نشین است یا زارع زارعین آن ملک

که در واقع شرکاء مالکین هستند مجبورند سرباز بدهند اگر اینقرار را بگذاریم ممکن است عده داخل در قشون شوند که از نقطه نظر نظامی بعضی معایب داشته باشد چون از برای خدمات نظامی از نقطه نظر نظامی خیلی مطالب قابل ملاحظه است مثلاً ملاحظه آب و هوا اهمیت دارد مسئله نژادی اهمیت دارد از این قبیل چیز ها خیلی است که قابل ملاحظه است مثلاً فوج دودانگه مازندران را که یک مأموریتی میدهند وزارت جنگ این ملاحظه را خواهد کرد که آنها ابرشت بفرستند که در آنجا بمناسبت آب و هوا بهتر میتوانند از عهده خدمت بر آیند بجهت اینکه اگر اهل عراق باشند شاید نصاب آنها در آنجا بمرسد یا ناخوش شود پس باین دلایلیکه عرض کردم باید اختیار تعیین سرباز با وزارت جنگ باشد منتها زارعین هر محلی مجبورند از عهده سرباز آنمحل بر آیند و مالک کل هم تکلیفش این است که آن حق معینه سرباز را بدهد .

رئیس - در اینخصوص مذاکره کافی نیست ؟
(بعضی گفتند کافی است و بعضی گفتند کافی نیست .)
رای میگیریم آقایانی که مذاکره را کافی میدانند قیام نمایند .
عده قلیلی قیام نمودند

رئیس - تصویب نشد - معلوم میشود مذاکره کافی نیست .

حاج شیخ اسدالله - قبلاً این مطلب را عرض میکنم خودم تصدیق دارم که متخصص در امر نظام نیستم و در مدرسه نظامی هم تحصیل نکرده ام ولیکن در تمام عمر یعنی از روزیکه حساس شدم و تمیز خوب و بد را میدهم مبتلای باین امر هستم بعقیده بنده بهترین علمها عمل است که تمام نکات خوب بود را بانسان می آموزد و تلقین میکند عرض میکنم در اینجا این فرمایشاتی را که بعضی آقایان فرمودند من نمیدانم حقیقتاً چه نقطه نظر است آقای سردار سعید میفرمایند از رعایا مزدور سرباز گرفته میشود باین معنی از رعایا ای که در ملک اربابی رعیتی میکنند سرباز میگیرند در حالتیکه این منافعی با سرباز گیری بطرز بنیچه است یعنی چه ؟ بنیچه شرح بدهند که بدانیم چه چیز است بعقیده بنده دولت در هر محلی از روی میزان مالیات تعیین سرباز کرده است یعنی معیار رفته تصدیق کرده است که این محل باید دارای ده تومان یا بیست تومان بنیچه باشد و از برای هر یک تومان یا پانزده قران باید بکنفر سرباز بدهند آنوقت از این نقطه نظر راجع بمالیات میشود و نسبت بمالیاتی که باید از آن محل بگیرند جمع بندی میکنند و از روی این بنیچه مالیات سربازی میگیرند در اینجا میبویسد سرباز بطرز بنیچه گرفته میشود یعنی از مالک بنیچه سرباز میگردند والا بنیچه خودش یک چیز موهومی و فرض است اگر متعلق نداشته باشد هیچ قابل اینست که سرباز بدهد نیست خود ملک و خود محلی که آقای سردار معظم میفرمایند مسئول سرباز است مسئول سرباز نیست محل یعنی چه ؟ یعنی زمینش ؟ یعنی آب و خاکش مسئول سرباز است ؟ اینطور نیست بلکه مالک بنیچه مسئول سرباز است اینست که مالک بنیچه نیست ابتدا مسئولیت سرباز دادن را ندارد حالا

بنیچه

فرض میکنم سرباز گیری بطرز بنیچه باید باشد آنوقت هر کس که در آن بنیچه دارای تقسیم شده باشد سرباز بدهد مثلا اگر بنیچه خورده شد و در آن ملک ده نفر دارای ۱۵ قران بنیچه شدند آنوقت در این محل این ده نفر باید یکسرباز بدهند اگر تمام آن بنیچه هم قابل یک نفر باشد تمام آن ده نفر سرباز آن محل را آن صاحب بنیچه راه بیاندازد و بدهد پس این سرباز هم تحویل بر ملک میشود و تحویل بر آب نمیشود تحویل بر خاک نمیشود سرباز چیزی نیست که بر آب و خاک تحویل شود متعلق این سرباز آن مالکین و اشخاص هستند که در آنجا منتفع میشوند عرض کردم مکرر هم عرض میکنم رعیت مزدور است و آزاد است اگر باو فشار بیآورند رعیتی نمیکند و میروند نمیشود باو حکماً گفت و بیا در اینجا رعیتی کن و سرباز بده مگر بگویند رعیتی میکنم از این ملک هم منتفع نمیشوم سرباز هم نمیده هم نمیشود او را مجبور کرد که حتماً بیا سرباز بده پس سرباز بده مالک است عرض کردم که اگر یک دهی مالکش یک نفر باشد و تمام بنیچه مال آن یک نفر باشد آن سرباز و آن عده که معین است باید همان یک نفر مالک تهیه کند ولی اگر مالک متعدد شد مثلا ده نفر یا یازده نفر دارای بنیچه یک نفر سرباز شدند آنوقت آنها باید یک نفر سرباز را بدهند در اینصورت اختیار را بکلی واگذار کردن بمأمورین سرباز گیری غلط است خود آقای سردار معظم که دفاع فرمودند البته تصدیق دارند که آن معزایب در ضمن تولید میشود و الا نه هم با اینکه هنوز این مسئله رسمیت پیدا نکرده است و مجلس هم هنوز رای نداده مردم را در ولایات بشمار انداخته اند پس باید این اختیار را بمالکین بدهند که مردم زیاد در قشار نباشند یعنی این شرایط سربازی که معین کرده اند بمالک بگویند و باو بگویند که سرباز باید دارای صحت مزاج باشند ناقص الخلقه نباشند یادار باشند مثلا یا داری در این جا قید شده است چه تعیین میشود ؟ البته این معین میشود که مالکین آن بنیچه تمهد و ضمانت بکنند که اگر این سرباز فرار کرد عوض او را فوراً در هر محلی که دولت بخواهد حاضر کنند اگر اسلحه دولت را برده مالک بدهد در اینصورت دیگر گفته گویی نیست اما اینکه میفرمایند علاوه بر آن شرایطیکه اینجا نوشته شده است یک نکات و فلسفه دیگر هم هست نکاتی که قابل ذکر نباشد دیگر بنده هلم قب نامدارم که به بینم چه نکات و چه فلسفه هست بنده از روی آن فلسفه و نکات تصدیق کنم که آیا صحیح است این تحویل را بر رعیت خورده مالک بکنند یا خیر ؟ بند فقط عرض میکنم اختیار را باید بمالک دادا اگر اشخاصی را که لایق و شایسته سربازی نباشند و دارای آنرا طلب باشند آوردند آن مأمورین رد کنند و بگویند این شخص را که تو برای سربازی معرفی میکنی دارای شرایط نیست قابل نیست این شخص تریاکی است مریض است ناقص الخلقه است و بالاخره یک سربازی را که خور مأمورین به یستندند و در کمال رشادت و شجاعت و قوت و بی عیب باشد می آورند و تسلیم مأمورین نظامی میکنند و در این صورت هیچ اشکالی هم وارد نیست

مدحت السلطنه - خیلی مایه نأسف است که ما ترتیبات سابقه را مدرک امروزه فرار میدهم و در

هر مورد و موقعیکه يك لایحه بمجلس میآید فریاد میکنند که سابقاً اینطور مردم فشار وارد میآوردند و باید حالا دست مأمورین دولت را ببندیم و اختیار را بدست مالک و مردم بدهیم که هر نوع کاری میخواهند بکنند و دولت هم سرش بیگانه باشد اینطور نیست ما باید قانونی وضع کنیم که مأمورین دولت نتوانند تعدی و ظلم بر رعیت وارد آورند رعیت هم نتواند از حدود خود تجاوز کند و بالاخره هیچکدام نتوانند بیکدیگر تعدی کنند اگر ما عاجز هستیم از این مطلب جا گیری کنیم پس بهتر این است که هیچ قانون نویسیم و الا این مذاکره لازم نیست ملاحظه بفرمایید باستانای این شرایطی که در ماده پنجم ذکر شده است شرایط دیگر هم در سرباز هست سرباز حافظ مملکت است سرباز حافظ حقوق ملت است سرباز باید يك آدم باشرف یادار زرنگی باشد که بتواند آن شرافت سربازی را حفظ کند والا هر لوگر دوره کرد صحرا کردی نمیشود سرباز کرد و البته منافع رعایا و زارعین و مالکین هم در این است که آنکسانی را که بیکاره هستند و بکارشان نمیخورد از پیش خود خارج کنند و باسرم سربازی بدولت بدهند لهذا ما باید ملاحظه کنیم این سربازی را که میخواهیم بگیریم سربازی باشد که مملکت را حفظ کند نه اینکه بمملکت خیانت کند یا فرضاً نقشه های جنگی و مطالب سری دولتی را افشاء کند باین جهت بنده با ماده موافقم و عرض میکنم این شرایط چهار گانه که در این ماده نوشته شده است کافی نیست و باید نظر وزارت جنگ هم در کار باشد که سرباز یادار روزنک صحیح انتخاب کند و این هیچ اشکالی نداود و میشود در نظامنامه که در وزارت جنگ نوشته خواهد شد بخوبی جلو گیری از این ظلم و تعدی که میکنید مردم میشود بکنند

مدرس - همان طوری که آقایان در سرباز گرفتن مهارت دارند ما هم در سرباز دادن مهارت داریم (هر کس بعلوم خودش) آنچه تا بحال دیده ایم اختیار دست مأمورین دولت بوده البته مأمورین معتمد رعیت ایرانند و همچنین رعایا هم محترم و رعیت ایرانند و همه در عرض هم هستند و باید مراتب همه محفوظ باشد ولیکن عرض کردم که ما تجربه کرده ایم و میدانیم باین زودبها هم اخلاق ما عوض نمیشود خوب است همین مجازاتی را که میفرمایند از برای مأمورین معین میکنید از برای رعایا هم معین کنید که اگر تخلف کردند مجازات شوند این قیاس مساوات است اما در این ماده عرض میکنم این یاداری که ذکر کرده اند مجمل است یادار باشد یعنی چه ؟ ممکن است هر کس را بیآورند بگویند یادار نیست یادار یعنی چه ؟ یعنی ملک داشته باشد ؟ خانه داشته باشد ؟ حق الدکره داشته باشد ؟ پس باید لفظ یادار را از اجمال بیرون آورد و معلوم نمود که مراد از یادار چیست دیگر اینکه بعقیده بنده اینرا باید جزو شرایط بنویسند و در آن ماده که شرایط را می نویسند این شرط را هم ذکر کنند و باید معین کرد که مراد از یادار چیست باید ضامن داشته باشد یا خانه یا مال داشته باشد و الا اگر معین نکنند بهر قسمتی که مأمورین خودشان میخواهند ایراد میکنند مثلا یکی را میآورند دو خانه دارد و مأمورین میگویند با دار آنست که ملک داشته باشد یا اینکه یکی را میآورند که کار و ملک دارد

می دادند که تریاکی باشد و تریاکی يك آدم جبون میبوی است که بدرد سربازی نمیخورد یا این که يك آدمی میداند که مهمل ترین سکنه ده باشد و بهیچ کاری نخورد و معلوم است کسیکه درده بدرد هیچ کاری نخورد مخصوصاً از برای سربازی هیچ بدرد نمیخورد و هكذا و هكذا هزار گز ملاحظیات دیگر هست که چون فعلا نظامنامه حاضر نیست و در نظر ندارم نمیتوانم عرض کنم باین جهت نمیشود تمام آن خصایص را در قانون نوشت مثلا بعضی چیزها هست که جزو اساسیات سربازی است مثل اینکه يك سربازی را بواسطه اندک چیزی ما حق داریم مطابق اصول سربازی تیر باران کنیم و این يك چیزی است که در نظر اشخاص سیویله خیلی نا معقول است مثلا اگر يك کسیکه سرباز نباشد بگوید در فلان ایتار دولت چقدر ملزومات هست چندان ایرادی بر او وارد نیست اما اگر يك سربازی بطرف مقابل این مسئله را بگوید فوراً مستلزم تیر باران است این است که تمام زندگانی سربازی مخالف با زندگانی سیویله است بنابراین خزانه جدا دارد محاکمه جدا دارد همه چیز سرباز جدا هست و سرباز را باید سرباز به یستند و بنده میدانم که این اعتراضات آقایان مبنی به چه مسئله است علاوه تصور نمیکنم سوء استعمالات سابقه با تدوین قانون و انتظام نظامنامه دلیل بر سوء استعمال آتی هم بشود تصور میکنم اگر آقایان همانطوریکه آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند همه سربازی کرده بودند هیچکدام در این ماده مخالفت تفرمودند اما مقصود از یاداری که فرمودند چه چیز است عرض میکنم مقصود از یاداری معین است اگر در ده و زراعت است باید در قسمتی از زراعت شرکت داشته باشد و اگر ایل است و حشدار است باید شتر و حشم و امثال این چیزها را داشته باشد و اگر يك قصبه است که بیشتر سکنه آن قصبه اهل صنعتند باید خانه و دکان داشته باشد تمام این قیودات و مقررات در نظامنامه نوشته خواهد شد که یاداری یعنی چه و چه شکل معامله باید بشود مثلا مأمورینی که بخواه فلان فوج میروند برای تعیین سرباز چه نظری باید داشته باشد طیب چه نظری باید داشته باشد فلان محل چه نظریاتی راجع بدین عقاید او داشته باشد نام بنده حکومت محلی چه نظری داشته باشد که آیا این آنجا دزد است یا دزد نیست نماینده وزارت جنگ هم باید نظر داشته باشد که سر کرده در این تقابلی نکنند و یک چیزی بگیرند و او را رها کنند باین بنده تصور میکنم صحیح نباشد این امر سرباز گیری که در همه دنیا اینهمه توجه بان میشود در این مملکت آنقدر مورد سهل انگاری بشود و برای این يك جزئی اختیار که وزارت جنگ باید داده شود بخواهند این اختیار را سلب کنند

آقای شیخ ابراهیم زنجانی - بلی بنده

نمیخواهم آنچه را که جاری می شود عرض کنم و این قانون را هم از روی آن جریانات برداشته اند و این جا نوشته اند عرض میکنم اولاً در عالم مخصوصاً در اسلام سربازی اشرف اعمال است (فضل الله المجاهدین علی القاعدین) آلا شرافت قشونی در تمام ممالک عالم بالاترین شرافت است ولی در مملکت ما سرباز و تویچی بدترین و پائین ترین مردم است حتی از عمله هم بدتر است یعنی آنها را از شرف انداخته اند پس باید به آنها شرافت داد و از اشخاص شریف سرباز گرفت حتی اگر بتوانیم شرط میکنیم سوار داشته باشند باید بنویسیم سابقه بد نداشته باشند چند صفات خوب داشته باشند چطور است در همه جا مینویسیم و در اینجا بنویسیم که مرتکب جنحه و جنایت نشده باشد یا مثلا مفلس نباشد سربازی شرایط زیاد و ترتیب صحیح لازم دارد بعلاوه سؤال میکنم اینجا نوشته اند در صورتی که عده اشخاص دارای شرایط مزبوره اضافه بر ماخذ بنیچه محل باشد (در کجا در تمام ایران یاد رهمان ده اگر این است پس باید نوشت هر گاه عده اشخاص در آن محل بقدر کافی است مجبورند سرباز باشند و اگر زیاد باشند باز بقرعه مجبورند سرباز شوند پس این مجبوری که میفرمایند در کجا است ؟ در همین جا است که میفرمایند از محل یا از مالکین باشد باید اول بنویسند هر گاه از خانواده مالکین یاد رهمان دعه اشخاص لایق بقدر کافی است مجبورند سرباز باشند و اگر زیادتر باشند بقرعه تعیین میشوند پس بعقیده بنده باید معین شود که این اضافه عده اشخاص دارای شرایط مزبوره نسبت بمحل است یا هر تمام ایران و همچنین باید یادار را هم معین کرد که فلانقدر دارائی داشته باشد یا اینکه ضامن داشته باشد و الا اگر لفظ یادار تنها باشد دیدیم که هزار قسم بلا هر روز بسر مردم در میآورند و فلانقدر پول میگیرند یکی را بیرون میکنند و میگویند یادار نبود و یکی را پول میگیرند خارج میکنند و دیگری پول میگیرند داخل میکنند و بدون جهت بعضی اشخاص را ببرد بعضی دهات مسلط میکنند آنوقت میبینیم يك ده را يك سرباز خراب کرده است چرا؟ برای اینکه يك آدم شریری بوده پول داده سرباز شده است و بد راهل دهات را در میآورد البته باید خیلی دقت و شرایط کرد که از این ترتیبات جلو گیری شود و مردم از این بلا های سابق خلاص شوند

حاج شیخ محمد حسن گروسی - اولاً عرض میکنم مسئله سربازی و قشون گیری تکلیف است نه تعین و این تکلیف بر همه هست نهایت نظر باینکه مقادیر که امروزه لازم است بتوانند تشکیل بدهند این مسئله بنیچه را بیش حکمشده اند لکن اساس را تغییر نداده اند باین معنی که طرف خود فرد اشخاص هستند و مالک ابتدا مدخلیتی در این باب ندارد بلکه مالک و رعیت بکسان است مالک چه حق دارد ؟ مالک مالک است نه مالک اشخاص این تکلیف متوجه بر اشخاص است نه بر ملک و تمام اشخاص مکلف باین امر هستند تنها تکلیف مالک نیست که بیاید طرف شود و ضمانت او هم غلط است او هم یکی است مثل سایر رعایا و از این حیث تفاوتی ندارند

منتها مسئله بنیچه جنبه عمومی سه وضیعی است و کوچک و بزرگ بودن دائره است والا اساس تفاوت ندارد طرف این تکلیف تمام اشخاص مگر صاحبان اقدار از قبیل عجزه و نسوان و معجان اینطور اشخاص که شرعاً هم معذورند نه اناعرض می کنیم این فرمایشاتی که بعضی آقایان فرمودند که مالک ضامن است این اساساً غلط است بلکه طرف این تکلیف خود اشخاص بدون اینکه مالک بتواند در این خصوص نسبت بآنها جنبه تسلط و استیلائی اعمال بکند و البته بعد از آنکه این شرایط از برای سرباز معین شدن کسیکه مأمور گرفتن جمع آوری سرباز است باید نظر کند ببیند در آن شخصیکه در فلان محل حاضر شده یا طایفه اش او را معین کرده اند سرباز شود این شرایط موجود است یا موجود نیست پس اساساً باید خودشان با مأمورین طرف شوند و این امورات ربطی بمالکین ندارد و حالا می آئیم برای قضیه که بعضی ترتیبات شده و میشود و بعضی رشوه ها گرفته و میگیرند پس باید برای این اتفاقاتی که می افتد علاجی کرد و جنبه اشکال را رفع کرد نه اینکه کار را برگردانیم و ارواره کنیم و مسئله ضمانت مالک را از کسی که علاقه ندارد ویش بیآوریم یا بگوئیم اگر از جنگ فرار کرد او کفالت کند آن خرابی که نباید بشود بواسطه فرار او فراهم آمده است آنوقت پس دادن تفنگ و اسلحه سرباز حلاج درد را نمیکند یاداری آن علاقه است که آن شخص دارد اگر فرار کرد دو باره خود او مسؤول باشد و بواسطه آن علاقه که دارد نتواند بجای های دیگر متواری شود والا مالکین کسانیا که غیر از کاورسانی علاقه و کار دیگری ندارند معرفی میکنند و آن شخصی که یادار است و زراعت و سایر منافع را دارد می گوید من منافع ملکی خودم را میبرم برای چه صرف نظر از آن فائده خودم بکنم و بروم سرباز شوم آن وقت میروند فلان کاورچانرا که بهیچوجه فایده محلی برای مالک ندارد و او را منتخب میکنند و می گویند سن او بالغ بر هجده سال و فلان و فلان است باین طریق او را بدولت میدهند بعد از آنی که دادند آن شخص کاورچان هم ابداً دل بستگی بآن محل ندارند پس از آنکه رفت البته مقام جان فشانی و جان بهدر دادن است مسئله سهلی نیست که بیاید خودش را بکشتن بدهد علاقه و پابندی هم که ندارد آن وقت فرار میکند اسباب هزیمت قشون همین قبیل اشخاص میشوند پس اشخاص یادار لازم است و طرف آنها هم خود دولت و مأمورین دولت باید باشند نه مالکین که بیایند و ضمانت آن ها را بکنند

حاج شیخ اسدالله - بله این جا چند قسم مخالفت یعنی دفاع شد یکی یکی آنچه را بنده در نظر دارم بطور اختصار عرض میکنم اما آنچه را که آقای معارن وزارت جنگ فرمودند از اینکه بنده نظامی نیستم بنده خودم عرض کردم ولیکن آقای هم سرباز گیری را با دیسیلین نظام داخل هم نمودند آنوقت دیسیلین نظامی را برای دفاع از عقاید بنده دلیل می آورند و به آن استدلال میفرمودند اینکه میفرمایند من سرباز میخواهم که در میدان جنگ کند آن يك قانون نظامی و يك دیسیلین و ترتیباتی لازم دارد که آن اشخاص که بچنگ میروند مجبور باشند مطابق آن دیسیلین نظامی رفتار کنند بجهت اینکه هیچ چیز در موقع کشته شدن جلو گیری از

قرار نمیکند جز در سیبیلین نظامی والا اگر شخص ملک داشته باشد فرار میکند ملک هم نداشته باشد فرار میکند چیزیکه از این فرار جلو گیری میکند همان حسابات وطن خواهی یا قانون و دیسیبیلین نظامی است اینمطلب خیلی بهم مشتبه شده یاداخل در طرز سرباز گیری از رعایا و صاحبان بنیچه هستیم هیچ داخل در ترتیبات نظام در موقع جنگ نیستیم آقای معاون خوب ملتفت هستند بنده کجای کلام را گرفته ام و عرض میکنم ایشان هم خوب میدانند چه جور دفاع میکنند بنده میخوامم از آن وقایع ناگوار و ناامیانی که مامورین در زمان سابق نسبت بر رعایا میکردند جلو گیری بکنیم و آنهم باین تباین اخلاق جلو گیری نمیشود مگر باین ترتیب که بنده عرض کرده و پیشنهاد کرده ام اما فرمایشاتی که آقای حاج شیخ محمد حسن فرمودند که سرباز از نفوس گرفته میشود و تحویل برهیا میشود بنده باز بر میگردد بنیچه نمیدانم بنیچه را دور می اندازند ؟ پس سرباز گیری بطرز بنیچه یعنی چه ؟ در اینموقع که ما برای آن مابیی که ممکن است در وقت گرفتن سرباز یش بیاید داریم جلو گیر میکنیم و میگردند و میگویند نفوس باید سرباز بدهند مطلب این است که سرباز گیری در اینجا بطرز بنیچه اجباری است یعنی مالکین بنیچه مجبورند سرباز راه بیندازند اما اینکه میفرمایند ممکن است یک کالوچرانی را بیاورند سرباز کنند و شاید در موقع جنگ فرار کند پس خوب است آقا یک نظری و عطف توجهی بطرز قشون گیری عمومی بفرمایند آنوقت چه میکنند که همین حالها همین فملها همین امیان همه باید داخل در نظام شوند پس آنوقت همه در موقع جنگ و ضرورت فرار میکنند اینطور نیست چیزیکه در موقع حاجت از فرار جلو گیری میکند و آنها را مجبور بچنگ میکند همان دیسیبیلین نظامی است که باید آنها در وزارت جنک کلا مجری دارند که جلو گیری از فرار بشود والا این فرمایشاتی را که میفرمایند راجع بسرباز گیری نیست **سردار معظم** - بقیه بنده اینجا دو مطلب است که هر دو در عرض هم نیست یکی از آقایان اشکالی کردند و فرمودند باید یادار را تعریف کرد که معلوم بشود یادار چه چیز است اما اشکالی نداریم در اینکه بالاخره یک تعریفی برای یاداری قائل شویم (اگرچه در عالم نظامی گری مقصود از یاداری اصطلاحاً معلوم است) ولی با وجود این اشکالی نداریم که در خود ماده تعریف شود پس این اشکال محل ابتلاء نیست چیزی که محل ابتلاء است مسئله خیلی اساسی است آن است که در موقع سرباز گیری آیا باید نظر دولت بر نظر اهالی تقدم داشته باشد یا نظر اهالی بر نظر دولت مقدم باشد در اینجا ممکن است بین دو منفعت که یکی منفعت دولت دیگری منفعت اهالی باشد مصادمه واقع شود آقایانیکه در اینجا بعنوان مایب قشون گیری سابق اظهاراتی فرمودند نظرشان را منافع مردم متوجه کرده اند البته نمایندگان ملت باید منافع مردم را حفظ کنند اما نه در همه موارد زیرا بعضی موارد است که منفعت دولت مقدم بر منافع افراد و البته در قوانین مربوطه بنظام باید بطور شدید این مسئله مراعات شود و قبل از مراعات منافع مردم منفعت قشون و منفعت نظام و منفعت دولت باید مراعات شود شاید کسانی باشند

که باین نظر اساسی مخالف باشند ولی بنده وقتی که منفعت دولت را در یک کفه ترازو و رفاهیت رعایای آن محل را در کفه دیگر میگذارم بدون هیچ تردید منفعت دولت را ترجیح میدهم پس وقتی که این نظر را پیدا کردیم نتیجه قهری این میشود که واگذار کردن اختیار بتمین سرباز باید بدولت باشد بالاخره رجوع کنیم بایراد هائی که شد و ببینیم چه ایرادی کردند ؟ یگانه ایرادی که قابل دقت بود و ذکر شد این بود که اگر اختیار گرفتن سرباز را بمامورین دولتی واگذار کنیم از این اختیاری که بآنها واگذار میشود سوء استفاده میکنند و اسباب اذیت مردم را فراهم خواهند کرد غیر از این که بنظر بنده نمایم فرض میکنیم که این اختیار را ما بمامورین دولت سلب کردیم و تمین سرباز را بمالکین و رعایای محل واگذار کردیم که خودشان مختار باشند پنج نفر یاده نفر سرباز معین کنند آیا در اینصورت بالاخره اختیار رد را بمامورین دولت خواهد داد یا نه ؟ یا اینکه مامورین دولت را آنقدر بی اختیار خواهید کرد که هر کس را بیاورند آنها مکلف باشند بپذیرند البته تصدیق خواهید فرمود که این اختیار را همان طرفداران رفاهیت مالکین هم باید بدولت بدهند پس اگر ما یک مامورین بد اخلاقی داشته باشیم از همین اختیار سوء استفاده خواهند کرد و همینقدر که بآنها اختیار دادید که حق رد سرباز را داشته باشد آنقدر رد خواهند کرد که آن پنجاه تومان را که میفرمائید بگیرند پس در عمل این قبیل چیزها جلو گیری نمیکند و برای جلوگیری از سوء استفاده از قانون با خود قانون نمیشود جلو گیری کرده و باین قوانین خارجی و باین مجازات هائی باید جلو گیری شود علاوه در اینجا بر میخوریم یک نظر دیگری که ببینیم مبنای قوانین که نوشته میشود چه چیزی است اما مبنای قوانین باید سه ظن باشد یا حسن ظن ؟ باید این را تمین کرد بعضی شاید فقیه شان این باشد که مبنای قانون باید سه ظن باشد ولی بنده عرض میکنم آنوقت آن قانون بهیچ دردی نمیخورد بجهت اینکه وقتی سوء ظن زیاد شد علماً و قهراً انسان نباید بهیچسک اطمنان داشته باشد و اختیاری بدهد و نتیجه اش تولید یک هرج و مرج اداری خواهد بود پس مقنن در موقع قانون گذاری مجبور خواهد بود که نظر حسن ظن داشته باشد نظر سوء ظن آن وقت در خارج باید یک چیز هائی تهیه کنند که اگر یک کسی خواست از آن قانون که مبنایش حسن ظن است سوء استفاده کند بتواند جلو گیری کند اولاً در قانون گذاری بخصوص در قانون قشون گیری باید منافع مردم فدای منافع دولت بشود و ثانیاً مبنای قانون باید حسن ظن باشد نه سوء ظن پس وقتیکه این دو نظر داشته باشیم باید بطبعاً تمین سرباز را بدولت واگذار کنیم زیرا دولت در داشتن سرباز خوب ذی نفع است مالک و رعایای محل در دادن سرباز خوب ذی نفع نیستند اگر چه آقای زنجانی فرمودند که سربازی یک شرافتی است که همه مردم با کمال رغبت باید برای تحصیل این شرافت حاضر شوند ولی در عمل ببینیم این طور نیست و بعضی ها هستند که از قبول این شرافت طفره دارند پس باید اختیار حاضر کردن و مجبور کردن آنها بدولت (که در سرباز داشتن ذی نفع

است) واگذار شود اگر آقایان بآن سرباز هائیکه اختیار اخذش با دولت و بآن سرباز هائیکه خود مالکین میدهند مراجعه فرمایند ملاحظه خواهند فرمود که بین این دو تفاوت بین دیده خواهد شد بنده خودم این امر را بخوبی دیده ام ما در خراسان دو فوج داریم یکی فوج فرائی که افراد سرباز آن را دولت میگیرد یکی فوج ترشیزی است که خود اهالی سرباز آنرا میدهند و بنده اطمنان میدهم که فوج ترشیزی نسبت بفرائی بدترین سرباز است بجهت اینکه مالک در دادن سرباز ذی نفع نبوده است مالک میخوهد یک کسی را که بدر هیچیک از احتیاجات محلی نمیخورد بدولت بدهد بالاخره همانطوریکه آقای گروسی فرمودند آن فوج هبارت میشود از یک اشخاص خوش نشینی که بهیچوجه علاقه بعمل خودشان ندارند و باین جهت اسلحه دولت را بر میدارند میبرند و همین طور بواسطه فرار از جنگ تمام قشون شکست میدهند و آنوقت هیچ نوع ضمانتی هم در آتیه جبران آنرا نمیکند در صورتیکه در فوج های دیگر می بینیم سرباز های رشید و جوانهای یا دار و علاقه مند بعمل خودشان اگر ضروری وارد کند چون اسباب صدمه اقوام و بوستگان و ملکشان میشود لهذا برای خدمت دولت و ملت بطور خوبی حاضر میشوند پس از این نقطه نظر خوب است تردید نفرمایند و این اختیار را از وزارت جنک سلب نکنند و بگذارند در این قدم اول که قدمی است بطرف قشون گیری بر میاریم اختیار با وزارت جنک باشد .

معاون وزارت جنک - یگانه ایرادی که مخالفین این ماده میفرمایند در رد و قبول سرباز است گفتا بواسطه بدی اخلاق ممکن است صاحب منصب یک چیزی بگیرد و دیگری را رد بکند یا اینکه یکی را قبول بکند فقط یگانه ایراد در این است این را هم در ضمن تحقیقات عرض کردم که برای اینکار یک کمیسیون در محل تشکیل میشود که مرکب است از مامور وزارت جنک و یک نفر از وزارت مالیه یک نفر نماینده حکومت و یک نفر هم ملای محلی در آنجا هست که اگر هم چو چیزی باشد آن نماینده محلی ممکن است صدایش بلند شود از همه اینها گذشته در قانون جزای عسکری جزاهای خیلی سخت برای این کار معین شده در اینصورت هیچ محل اندیشه نیست که این اختیار بوزارت جنک داده شود مگر اینکه بخوانند یک کسانی را بیاورند که بدرد وزارت جنک نخورد و باین وسیله پول ملت بدون جهت تفریط شود .

حاج شیخ حبیب الله - این الفاظیکه در قانون وضع میشود یکبار این است که مجرد این الفاظ تعبدیت دارد و باید نوشت و یکوقت این است که مقصودی از جنس این الفاظ در قانون دارید در این که مینویسد باید مستقیماً از طرف مامورین وزارت جنک سرباز گرفته شود ما برای این مفاسد بسیار می بینیم یکی از آن مفاسد همین چیزی است که هر یک از ماها که مالکین هستیم و رعیت دار هستیم می دانیم که برهیا چه وارد میشود ولی تمین میشود کدام شخص سرباز میشود اینکه آقایان جواب دادند که اگر ما تمین سرباز را باختیار اهل محل واگذار کنیم مخالف با مقصود دولت میشود عرض میکنم شما مقصودتانرا معین کنید و بجای این پنج شرطی

که اینجا نوشته اند ده شرط معین کنید میفرمائید تریاکی نباشد معین کنید فرمودید قدش باید یک ذرع و نیم بیشتر باشد پس سرباز شانزده و هفده ساله را چه میفرمائید که قدش بیک ذرع و نیم هم نرسیده میفرمائید شاید دزد باشد عرض میکنم آیا مجازاتی در کار هست یا نیست ؟ اگر مجازاتی از برای دزد معین نشده آدمی هم خیلی خوش اخلاق باشد آنهم دزد می شود اگر مجازات باشد آنکسیکه اول دزد باشد از همدخلق میشود بجهت اینکه قانون مجازات هست پس بعد از اینکه ما معتقد به مجازات شدیم دیگر اشکالی نیست و اگر در نظام ما مجازاتی باشد هر کس که از او شر تر نباشد اصلح حق میشود فرمودند تا تشکیل کمیسیونی میدهم که پنج شش نفر باشند عرض میکنم حسن اخلاق چیزی نیست که بمجرد اینکه مامور دولت رفت بگویند فلان کس را بگیرد که خوبست و نجیب است اینها نیست ممکن است همان کسی را که دارای شرایط او و اضافی است که مامور دولت میبستند رعیت معین میکنند بعد از آنکه دارای آن شرایط باشد و نقیصه در او نباشد دیگر چه عذر باقی میماند این سربازیکه ما میدهم یکبار این است که سرباز داوطلب است و یکبار همین طور که در قانون معین شده است سربازی اجباری خصوصی است پس اگر اینطور است دولت معین میکند که چه قسم سرباز باید داده شود ما هم از روی اجبار خصوصی آن سرباز را میدهم بعضی آقایان فرمودند اگر باختیار شما واگذار کنیم میروید یک سربازی که زارع است معین میکنید مگر دولت میخوهد زراعت کند که باید سرباز زارع باشد ما بزرعش چکار داریم دولت کسی را میخوهد که در میدان باشد معیوب نباشد کامل الخلقه و کامل الصفات باشد میفرمائید تمین فرار کند ؟ اگر نباشد و اهل محل ضمانت کنند دیگر از ضمانت اهل محل چه بهتر است ؟ ما فرض میکنیم آن سرباز مرد یکی دیگر را معین میکنند پس اگر هیچ فرقی بین نظر ما و نظر نماینده دولت نیست اختیار سرباز را با اهل محل واگذارند اهل محل خودشان میآیند و سرباز را که دولت میبستند معین میکنند هیچ عذری باقی نخواهد ماند ولی این برای ما نتیجه کد دارد این است که رعیت از آن چیز هائیکه ما تجربه کردیم دیده ایم آسوده میشود فرمودند سرباز ترشیز را چون اهل محل خودشان معین میکنند از این جهت آدمهای بیخودی هستند اول اینکه خودشان هم میدانند که سرباز را مامور دولت میگیرد علاوه شجاعتها که آنها بخرج داده اند هیچ سربازی بخرج ندهاده است آقای سردار سعید حاضرند از ایشان سؤال میکنم که محمد علی کون آبادی را کی کشت جنگهائی که در مشهد واقع شد کی کرد ؟ الحمد الله رب العالمین ما مانع اشرار شدیم ما جلو گیری کردیم و الا باقی دیگر فرار میکردند علی ای حال جلو گیری از دشمن بواسطه ملک و خانه داشتن نمیشود لهذا باید آدم صحیح المزاج کلمه الخلقه کامل الصفات معین شود .

مخبر - بنده اینجا یک نقطه نظر را ملتفت شدم گفتگو در گرفتن سرباز از محلهای خورده مالک نیست بجهت اینکه آنها یک تکلیف علیجده دارند یعنی خورده مالکین بیشتر صاحب منصب و آن جمعیتی که برای گرفتن سرباز مامور میشوند حاضر میشوند و سرباز خودشانرا معین میکنند و میدهند اینهمه حملات

آقایان متعلق بدعواتی است که یک نفر یا دو نفر مالک معین دارد و از قراریکه بنده ملتفت شدم مذاکرات در آن باب است این بود که لازم دانستم عرض کنم وقتیکه از نقطه نظر سرباز گیری دقت بکنند سرباز صورت مالیات را ندارند در مالیات البته مالک کل باید مالیات خود شراجم کند و بمالیه بپردازد و اما سرباز اینطور نیست همانطور که آقای گروسی اظهار کردند سرباز باید از افراد گرفته شود و افراد باید سربازی بکنند اختصاصی ندارد که مالک این افراد را معین کند و بدهد باید حکما آن جمعیتی که از طرف وزارت جنک رعیه معین میشوند بعمل بروند و از افرادی که از آب و زمین و زراعت آن ملک استفاده میکنند سرباز بگیرند بنده گمان میکنم اگر اختیار تمین سرباز را بعهده مالکین کل واگذاریم بکلی سرباز نخواهیم داشت و اگر هم داشته باشیم آنطوریکه باید استفاده کنیم استفاده نخواهیم کرد پس مجبوریم این اختیار را بوزارت جنک واگذار کنیم .

مدرس - یک فرمایشی آقای سردار معظم فرمودند که اساسی بود فرمودند این اول قدم است و باید این اشکالات را غرض معین کرد بنده عرض میکنم برای اینکه اول قدم پیش بروید باید اختیار دست مامورین نباشد زیرا اگر اختیار را بدست همین مامورین که حالشان را تجربه کرده ایم بدهیم بهیچوجه منالوجود این قدم اول پیش نمیرود و اگر بخوایم دارای افواج و سرباز باشیم باید یک طوری باشد که اسباب سختی بر مردم نباشد باین معنی که سرباز را بهر شرایطیکه میخوهند در قانون بنویسند در نظامنامه در قانون بیست یا سی شرط بنویسند و موافق قانون از محل بطریق بنیچه این سرباز را بخوانند اگر دارنده آن شرایط را آورده مامورین قبول میکنند و اگر دارای این شرایط را نیاوردند رد میکنند اما مامور هم نمیتوانند قبول نکنند مگر اینکه مدلل بدارد که این تام الخلقه نیست یا فلان شرط در او نیست اگر تام الخلقه است و دارای شرایطی که در قانون ذکر شده است هست مامور مجبور است قبول کند ولی اگر یک شرایط مغفی باید داشته باشد آن شرایط مغفی قانون نمیشود هر شرطی را که میخوهد باید در قانون بنویسند که آن مالکین و صاحبان بنیچه هم بهمان ترتیب و شرایط سرباز را بیاورند تسلیم کند اگر دارای آن شرایط بودند مامورین قبول کند بنده عقیده ام که اگر اینطور بشود این اول قدمی است که یش میرویم و چنانچه آقای سردار معظم فرمودند پیش رفتن اول قدم باختیار دادن بدست مامورین نیست و اینکه میفرمایند مبنای قانون باید بر حسن ظن باشد صحیح است ولیکن حسن ظن یا سوء ظن در موردی است که تجربه نشده باشد اما در این صورت نمیشود حسن ظن را اظهار داشت شاه معینانید که در اول مشروطه گفتند باید حقوق برای حکام قرار داد که آن جریم سابقه موقوف شود حقوق هم قرار داده شد و الان می بینم که حکام ولایات تمام حقوق دارند و هیچ از آن احیافاتی که میکردند دست بر نداشته اند بلی ما باید اختیار را بدست دولت بدهیم اما در موردی که اینم از اینکه مردم آسایش دارند و این مورد بخصوص محل ابتلاهی همه ماها شده و اینم نیستیم

که مردم آسایش داشته باشند و در همین اول قدم خواهیم ماند .
حاج شیخ محمد حسن گروسی - تمین افراد قشونی هر محلی مطابق بنیچه از اشخاص یادار با مراعات شرایط ماده (۵) حتی الامکان مستقیماً از طرف مامورین سرباز گیری بعمل آمده) در اینجا دیگر اختیاری غیر از این بآن مامورین داده نمیشود یعنی موافق همین شرایطیکه در این قانون نوشته شده است مامور است سرباز را از هر محلی بگیرد و در صورتیکه از هر محلی آمده سرباز دارای این شرایط باشد البته مجبور است بگیرد اینجا گفته نشده است که میتوانند رد کنند و اختیار دیگری هم ندارند همینقدر که دارای شرایط شدند البته مامور آنها را قبول بکنند مقصود در این است که مالک مالک ملک معنی ندارد مالک ولی مردم نیست مالک مالک ملک است مالک اشخاص نیست و اساساً طرف شدن مالک غلط است مالک چکاره است که اولیای امور قشون باشد نهایت خودشان در بین خود اهل محل بوسیله که میداند اینهمه اشخاص را با شرایطی که معین کرده اند میدهند در صورتیکه دارای شرایط شدند البته مامورین نمیتوانند بگویند اینها را نمیخواهیم یک اشخاص دیگری را بیاورید این اختیار در ماده بآنها داده نشده است که برخلاف آن شرایطیکه معین شده است میتواند تجاوز کنند بجهت تجاوزات سری و مخفی غیر از این مطلب است و آن کیف ما اتفاق فراهم میآید و باید یک شکلی جلو گیری از این کارها بکنند و الا اگر در ماده بخوایم این مطلب را محول بمالکین بکنم اساساً بنده غلط میدانم .
رئیس - مذاکرات کافی است - پیشنهادها خوانده میشود .
(پیشنهاد آقا سید فاضل بمضمون ذیل قرائت شد)
بنده پیشنهاد میکنم ماده (۹) چنین نوشته شود .
ماده ۹ -- افراد قشونی هر محلی را مطابق بنیچه از اشخاص یادار یا اشخاصیکه مالک ضمانت مینمایند با مراعات شرایط ماده (۵) صاحبان بنیچه تمین مینمایند .
آقای سید فاضل - توضیح بدهم ؟
رئیس - قبلاً هم خوانده میشود بعد توضیح بدهید .
(پیشنهاد آقای شیخ حبیب الله)
بنده پیشنهاد مینمایم که ماده نهم اینقسم نوشته شود .
تمین افراد قشونی هر محلی مطابق بنیچه از اشخاص یادار یا با ضمانت اهل محل مراعات شرایط ماده (۵) مستقیماً از طرف اهل محل معین میشود .
(پیشنهاد مدرس)
پیشنهاد میکنم ماده ۱۰ چنین باشد تمین افراد قشونی هر محلی مطابق بنیچه از اشخاص یادار یا با ضمانت مالک با مراعات شرایط ماده (۵) از طرف صاحبان بنیچه بعمل خواهد آمد
(پیشنهاد میرزا محمد علیخان)
بنده پیشنهاد میکنم ماده نهم این طور نوشته شود .

تعیین افراد قشونی هر مجلس مطابق بنیچه با مراعات شرایط ماده (۵) بوسیله پیشنهاد و معرفی اهالی سر بازردهنده و با انتخاب هیئتی از مأمورین وزارت جنگ و اشخاصیکه توسط دولت از محل تعیین شده باشند بعمل آمده در صورتیکه عده اشخاص معرفی شده که دارای شرایط لازمه باشند اضافه بر ماخذ بنیچه محل گردد عده لازمه باقره معین میشود (پیشنهاد حاج شیخ اسدالله)

بنده پیشنهاد میکنم که سر باز گیری بتوسط هیئتی که از مأمور حکومت محل و مأمورین قشون و مالک سر بازرده بعمل آید (پیشنهاد حاج عزالمالک)

بنده پیشنهاد میکنم چنین نوشته شود ماده ۹ - تعیین افراد قشونی هر مجلس مطابق بنیچه با مراعات شرایط ماده ۵ از طرف مأمورین سر باز گیری بعمل آمده در صورتیکه افراد بنیچه دارای شرایط سر باز شدن باشند باید حتما داخل خدمت سر بازرده شده اگر اشخاصی دارای شرایط مزبوره اضافه بر ماخذ بنیچه محل باشند عده باقره معین میشود چنانچه عده کافی موافق شرایط سر بازرده در نتیجه نباشد مالک میتواند ضمانت نموده از اشخاص دیگر این نقصان را تامین کند .

رئیس پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله و آقای حاج شیخ حبیب الله و آقای آقا سید فاضل و آقای مدرس تقریباً یکی است برای این چهار پیشنهاد یکم را میگیریم توضیحش را بفرمائید .

مدرس - گمان میکنم بعد از این مذاکرات لازم بتوضیح نباشد فرض ما این است که در این اول قدمی که انشاء الله الرحمن میخواستیم بقشون گیری موفق شویم حتمی شود که اسباب زحمت برای مردم نباشد با این تجربیاتی که سابق کرده ایم گمان میکنم باین زودی این اخلاق از میان ما بر طرف نشود و اگر اختیار را بدست مأمورین بدهیم اسباب زحمت و صدمه خواهد شد ولیکن بعد از اینکه در قانون شرایطی ذکر کردند ولو اینکه چندین شرط دیگر هم بکنند آنوقت صاحبان بنیچه دارنده آن شرایط را با مأمورین وزارت جنگ تسلیم میکنند و اگر مأمورین وزارت جنگ دیدند دارای شرایط هست قبول میکنند و اگر دیدند دارای شرایط نیست رد میکنند و کسی را که دارای شرایط باشد میخواهند این پیشنهاد ها باین نقطه نظر شده است حالا دیگر آقایان مختارند

رئیس آقای مخبر کدام یک از این پیشنهاد ها را قبول دارید ؟

چون تقریباً یکتسا است آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند .

رئیس - قابل توجه نشد - آقای نظام السلطان پیشنهاد جناب عالی رای بگیریم .

نظام السلطان - رای بگیریم .

رئیس - توضیحی دارید بفرمائید .

نظام السلطان - در اول این قانون نوشته شده است که سر باز گیری بطرز بنیچه است با این نظری که آقایان دارند اگر بعهده مالک و اکنار شود و اختیار مالک تنها داده شود شاید این طرز از میان برود بهمین جهت این پیشنهاد را کردم که مأمور وزارت جنگ با اطلاع مأمور حکومت محل و مالک سر بازرده این ترتیب را اجرا کند و گمان میکنم اگر با اطلاع این سه نفر بشود دیگر اختلافی پیدا نشود .

رئیس - قرائت میشود در قابل توجه بودنش رای میگیریم .

مجدداً قرائت شد

رئیس - آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند .

رئیس - قابل توجه نشد - آقای حاج عزالمالک توضیحی دارید ؟

حاج عزالمالک - پیشنهاد های مختلفی در موضوع این ماده شده البته بنظر هر یک از پیشنهاد کنندگان جامع بود ولی بنظر بنده این پیشنهادی که شده است (حالا قابل توجه بشود یا نشود نمیدانم) اطراف کار در آن ملاحظه شده است بجهت اینکه ما در ماده اول ذکر کرده ایم و در حقیقت این قانون برای این وضع میشود که سر بازرده بنیچه گرفته شود یعنی اجبار عمومی را فعلاً متروک میکنیم و یک اجباری خصوصی را قائل میشویم اگر این اصل را در نظر بگیریم تا یکدرجه بایستی در موارد دیگر این لفظ اجباری را منظور کنیم و الا اصلاً باید بگوئیم همینطوریکه پیشنهاد شد مالک سر باز را بیاورد و آن سر باز را بگیرند و حال آنکه این ترتیب بر خلاف این لایحه و بر خلاف آن ماده است که قبلاً ذکر شده است (یعنی اجباری خصوصی) مقصود از این لایحه و این قانون جلوگیری از آن معاینی است که ذکر فرمودند منتها هر کس بیک ترتیبی اظهار کرد بعضی از آقایان فکر کردند که مالک پیشنهاد کند و از مابین آنها مأمور دولت هر کسی را برای سر بازرده شایسته میدانند انتخاب کند کمیسیون پیشنهادی کرده است که مأمور دولت هر کس را برای سر بازرده بستاند انتخاب خواهد کرد این دو نظر بود ولی عده معاینی که شمرده میشد معاین اخلاقی بود که بنده حالا نمیخواهم بگویم مأمورین ممکن است از اختیارات و حدود خودشان تجاوز کنند و بعضی استفاده ها بکنند بنظر بنده در هر دو این پیشنهاد ها این نظر استفاده وارد است پس چه مالک بیاورد دولت پیشنهاد کند و چه مأمور دولت بیل خودش بگیرد در هر دو این اشکال وارد است و همان طوریکه آقای سردار معظم توضیح دادند اگر مالک چند نفر را پیشنهاد کرده و مأمور دولت حقیقتاً یک نظر خصوصی داشت رد میکنند و بعضی معاین برای او

ذکر میکنند و بالاخره یا او را راضی میکنند یا آن کسی را که اونبخواهد پاو میدهند در اینصورت چه مأمور دولت خودش مستقیماً برود یا بتکار انجام بدهد چه مالک پیشنهاد کند در هر دو شق آن نظر و آن اشکال وارد پس اگر مافائل شده ایم که قشون گیری بطرز بنیچه و اجباری خصوصی باشد باید قائل شویم که اگر در نتیجه یک کسی دارای شرایط سر بازرده بود خود آن شخص مکلف است سر باز شود و اگر قائل شویم که دیگری ممکن است بجای او بیاید هر طور باشد اسباب زحمت میشود چه مالک پیشنهاد کند چه مأمور دولت بخواهد بگیرد هر دو شق غلط است پس یا اساساً نباید قید کنیم که اگر آن بنیچه کسی را داشت که دارای شرایط سر بازرده باشد آن آدم مجبور است بیاید سر باز شود آن وقت آن آدم با دارنده خواهد بود و ما هم مطمئن خواهیم شد که ملزوماتی که با وسپرده می شود تفریط نمیشود مأمور دولت نمی تواند بیل واراده خودش سر باز بگیرد و مالک هم نمیتواند یک آدم بی باکی را صرفاً با مأمور دولت معرفی کند و تمام این معاین رفع خواهد شد پس در صورتیکه قائل شویم که در بنیچه هر آدمی که قابل سر بازرده است یعنی دارای شرایط سر بازرده است همان آدم سر بازرده همین معنی اجباری خصوصی است یعنی اجباری خصوصی مجدداً بنیچه در اینصورت دوشق دیگر متصور میشود یکی اینکه عده زیادتر باشد و یکی اینکه کمتر باشد حالا در صورتیکه زیادتر باشد در این لایحه اینطور پیشنهاد شده است بنده هم همینطور پیشنهاد کرده ام که هر بنیچه کده نفر دارای شرایط سر بازرده داشت هشت نفر لازم بود آن ۸ نفر بقره معین شود یعنی نه حق را بمالک بدهند نه به مأمور دولت که استفاده بکنند قره بکشند هر چند نفری که بیرون آمدن آن عده را انتخاب بکنند و اگر کمتر شد به عقیده بنده می توان آنرا بنظر مالک گذاشت که مالک با ضمانت خودش یک نفری را که در آن بنیچه است از آن حوزه و محوطه خودش بیاورد و پیشنهاد کند اساس پیشنهاد بنده این است اگر حالا اختلافی در طرز نوشتن آن باشد یا عیبی داشته باشد ممکن است کمیسیون اصلاح کند ولی بعقیده بنده اساس این لایحه اگر روی این رویه و این ترتیب نباشد یعنی (اجباری خصوصی) بکنی این قانون لغو است .

رئیس - پیشنهاد آقای حاج عزالمالک مجدداً قرائت میشود رای میگیریم .

معاون وزارت جنگ - پیشنهاد آقای میرزا محمدعلیخان و آقای حاج عزالمالک را بکمیسیون رجوع بفرمائید .

رئیس - این در صورتی است که مخبر تقاضا کند .

مخبر - بنده هم تقاضا میکنم .

رئیس - بسیار خوب ارجاع بکمیسیون میشود

اگر آقایان موافق باشند مذاکرات را در اینجا ختم کنیم بقیه مذاکره میماند برای روز ۵ شنبه - آقای سردار سعید از آقای وزیر امور خارجه و آقای منتصر السلطان از وزارت عدلیه راجع بامر ممتاز السلطنه و لسان الدوله سئوالی داشتند برای جواب سئوال حاضر شده اند .

سردار سعید - دره ۲۶ رجب آقای معاون وزارت عدلیه در جواب سئوال یکی از نمایندگان

در موضوع لسان الدوله و ممتاز السلطنه یک جوابی دادند که بنده بعضی چیزها را از نطق ایشان در اینجا نوت کرده ام یک نکته این است که عرض میکنم در ضمن نطق خودشان فرمودند که همچو معلوم شده است که در جزو اشخاص دیگری که با لسان الدوله شرکت داشته اند و معامله میکرده اند آقای مختار السلطنه هم دخیل بوده است و بواسطه مدارکی که بدست آمده عقیده مدعی عمومی این شده است (باز در یک جای دیگر نطقشان فرمودند (با اضافه گویا در ضمن نوشتجات و ثبت دفاتر لسان الدوله عنوان شرکتی هم نسبت باین نوع معاملات با ممتاز السلطنه بوده است) بنده هر چه انتظار کشیدم که بعد از آنروز آقای وزیر امور خارجه یکی از این دو کار را بکنند یعنی یا ممتاز السلطنه را با این نطق صریح معاون وزارت عدلیه از خدمت خودش منصرف کند و بجا که بکشند با اینکه این مسئله را با مدارک صحیحی تکذیب بکنند مدتی است که از آن روز میگذرد نه آن صورت اولیه را پیدا کرده است و نه تکذیبی کرده اند و تصور میکنم این ترتیب صحیح نباشد یعنی نه از برای حفظ مقامات دولت و نه از برای حفظ مأمورین و نمایندگان وزارت خارجه که در هر جای دنیا نماینده شخص سلطنت و پادشاه هستند بنده خواستم بدانم در این موضوع آقای وزیر امور خارجه چه اقدامی فرموده اند و آیا این مذاکراتی که در اینجا شده است تصدیق میفرمایند یا تکذیب خواهند فرمود ؟ خواهش میکنم اقدامات و نظریات خودشان را بفرمائید .

وزیر امور خارجه - از این ملاحظاتی که آقای سردار سعید نسبت باعضاء و دولت و مأمورین دولت در خارجه فرمودند بنده خیلی اظهار امتنان میکنم صحیح است در آن موقعیکه این اظهار از طرف معاون وزارت عدلیه در مجلس شد وزارت خارجه یکی از دو کار را باید بکند ولی ممتاز السلطنه از طهران غایب بود و با اینکه وزارت امور خارجه تا اندازه از سابقه کار اطلاع داشت و بر ائت ذمه ممتاز السلطنه را میدانست ولی چون مسئله در وزارت عدلیه یک شکل استنطاق پیدا کرده بود نخواست بدون اینکه از او یک سئوالی یا تحقیقی کرده باشد اظهاری در مجلس کرده یا اقدامی در این باب نموده باشد یا بواسطه بعد از اینکه این مذاکرات در وزارت عدلیه ظاهر شد و وزارت خارجه نوشته شد بطوریکه عرض کردم و تکرار میکنم در وزارت خارجه سابقه این مسئله (یعنی مسئله دو جلد کتابی که بیارسی فرستاده بودند) بود و خود ممتاز السلطنه هم در این باب توضیحاتی به وزارت خارجه فرستاده بود و معلوم بود که بهیچوجه من الوجوه در اینکار مداخله نداشتند حتی اینکه از فروش آنها ممانعت و جلوگیری هم کرده بود است ولی شاید از نوشتجات لسان الدوله یک اسباب شبهه از برای اولیای امور استنطاق در وزارت عدلیه حاصل شده بود بنابر این وزارت خارجه چیزی نوشته بودند و وزارت خارجه هم همانوقت جوابی داده بود ولی برای اینکه حقیقت مطمئن شود که این مسئله اساس صحیحی ندارد و شاید خود مختار السلطنه جوابهای کافی نری داشته باشد نخواستیم قبل از وقت در مجلس تکذیب این مسئله را کرده باشم این بود که از مختار السلطنه توضیحات

واسنادی که در جواب این مسئله دارند خواسته شد و نوشتجاتی فرستاد وزارت خارجه هم آن نوشتجات را بر حسب تکلیفی که داشت بوزارت عدلیه مراجعه داد که در آنها کاملاً مراجعه و رسیدگی نمایند و از تیریه ذمه بکنند مأمور رسمی دولت مستحضر شوند وزارت عدلیه هم در این باب دقتی فرمودند و رسیدگی کردند و در آن اسناد مذاقه بعمل آوردند و بعد از آن صورت راپورت اولیاء استنطاق و مدعی العموم را بوزارت خارجه فرستادند که صریحاً مدعی العموم تصدیق کرده بود که ملاحظه آن اسناد بر تیریه ذمه ممتاز السلطنه دلیل کافی است و وزارت امور خارجه امروز با کمال مسرت میتواند عرض کند که مأمور خودش در خارجه بکنی از این مسئله مبرا است و این اتفاقات شاید از سوء تفاهم یا عجله در کار بوده است واقع شده است والا بر ممتاز السلطنه چیزی در این باب وارد نیست .

سردار سعید - بنده خیلی تشکر میکنم از شخص وزیر امور خارجه که در مسائل مهمه دقت خودشان را کرده و باینک صافی و پاکیزگی اظهارات خودشان را از روی حقیقت اینجا میفرمایند چیزی که باقی دارد این است که آقای معاون وزارت عدلیه هم که اینجا تشریف دارند ایشانهم اطلاعات خودشان را بفرمائید که آقای ممتاز السلطنه یک شده اند یا خیر ؟

رئیس - سؤال کننده از ایشان آقای منتصر السلطان بودند که در اینجا نیستند در اینصورت نمیتوانند جواب بدهند .

سردار معظم - ممکن است کسی دیگر این سؤال را قبول کند .

رئیس - هر کس قبول میکند سؤال کند .

سردار معظم - بنده قبول میکنم .

رئیس - سؤال بفرمائید تا جواب بگویند که در چند جلسه قبل در اینجا تشریف آوردند نتیجه حاصل شده بود آقای سردار سعید از آقای وزیر امور خارجه سئوال نمودند و جواب خودشان را شنیدند بنده هم از آقای معاون وزارت عدلیه سئوال می کنم که در این موضوع اطلاعات وزارت عدلیه چیست ؟

معاون وزارت عدلیه - همانطوریکه آقای نماینده بجنورد از وزیر امور خارجه سئوال کردند در جلسه ۲۶ ماه رجب که روزنامه رسمی آنهم حاضر است جوابهایی در مقابل سئوالی که از وزارت عدلیه شده بود دادم جوابهای بنده متکی بود بیک راپورتی که پارک ابتدائی وزارت عدلیه رسیده بود و بجز این افتاده بود یعنی بر طبق تکلیف وزارت امور خارجه فرستاده شده بود پس از آن چندی گذشت که آقای مختار السلطنه بعضی اسناد فرستادند که ما خود از نوشتجات و مکاتباتی بود که ما باین اشان و لسان الدوله رد و بدل شده بود آن اسناد و نوشتجات را از وزارت امور خارجه بوزارت عدلیه فرستادند وزارت عدلیه هم در آنها چنانچه وزیر امور خارجه فرمودند مذاقه بعمل آوردند یعنی آن اسناد مدعی العموم و مستنطق رجوع شد چون آنها را جوابگویی مدارک اولیه که منشاء آن آنها نسبت بمختار السلطنه شده بود یافتند از طرف مدعی العموم و مستنطق راپورت مجددی بوزارت عدلیه فرستاده شد که سود هر دو راپورتها

یعنی آن راپورت اولی که مبنای جواب اول بنده است و راپورت ثانوی که مبنای جواب حالیه بنده است حاضر است در این راپورت ثانوی برای مدعی العموم و مستنطق این شده است که پس از ملاحظه اوراق دفاعیه مختار السلطنه تحقیقات در این امر را کفایت میداند و اسناد مرسوله را جوابگویی مدارک اولیه که از نوشتجات لسان الدوله دیده بودند و منشاء آن آنها شده بود تصور کردند پس از نقطه نظر پارک ابتدائی که البته نقطه نظر وزارت عدلیه هم تابع آن نقطه نظر خواهد بود این امر دیگر قابل تعقیب نیست

سردار معظم - بنده میخواهم عرض کنم جوابی که آقای معاون وزارت عدلیه دادند راپورت مدعی العموم و مستنطق بوده است و ایشان در واقع واسطه بوده اند برای اظهار رای مدعی العموم و حالا که رای مدعی العموم و مستنطق بواسطه اسنادی که ارائه شده است تغییر کرده و بر ائت ذمه ممتاز السلطنه حاصل میشود بنده هم قانع میشوم

رئیس - آقای حاج عزالمالک هم راجع بمستشار بطرز بورخ سئوالی داشتند آن را هم جواب میفرمایند ؟

وزیر امور خارجه - جواب او را بعد عرض خواهم کرد

حاج شیخ اسدالله - البته آقایان نمایندگان کاملاً میدانند که یکی از وظایف مختصه مجلس تصفیه عمل بودجه است اگر از ابتدای تشکیل مجلس (یعنی دوره ثالث تقنینی) دولت بوجه خودش را به مجلس شورای ملی تقدیم کرده بوده و مجلس مملکتی را اصلاح کرده بود تصور میکنم دولت امروز به این اندازه محتاج و باین بی پولی نبود در ابتدای مجلس جمعی از نمایندگان با یک حرارت فوق العاده گرفته بمجلس بیاروند تا اینکه مجلس از این حیث و میل هائیکه در ماله مملکت میشود جلوگیری بکنند نمایندگ آن کمیسیون تا بحال چه کرده است و همایشات خودش را بیکجا رسانیده است از مخبر آن کمیسیون استعفا میکنم اقدامات و عملیات خودشان را و نتیجه هائیکه گرفته اند بمجلس شورای ملی اظهار نمایند

حاج عزالمالک - از بدو تشکیل کمیسیون بودجه کمیسیون در نظر گرفت که بدو با وزیر ماله در خصوص تهیه بودجه ها مذاکراتی بکنند در یکی دو جلسه هم وزیر ماله تشریف آوردند و مذاکراتی شد اگر ایشان اشکالاتی از برای تهیه بودجه ها اظهار می داشتند ولی کمیسیون قانع نشد و تصریح بودجه ها را مطابق رای مجلس از وزیر ماله خواست بودجه هائیکه قبل از تشکیل این کمیسیون بمجلس تقدیم شده است و در کمیسیون بودجه مجلس است البته نظر آقایان مسبق است بودجه عدلیه است که از کمیسیون بودجه مجلس گذشته است و بودجه وزارت

تعیین افراد قشونی هر مجلس مطابق بنیچه با مراعات شرایط ماده (۵) بوسیله پیشنهاد و معرفی اهالی سر بازردهنده و با انتخاب هیئتی از مأمورین وزارت جنگ و اشخاصیکه توسط دولت از محل تعیین شده باشند بعمل آمده در صورتیکه عده اشخاص معرفی شده که دارای شرایط لازمه باشند اضافه بر ماخذ بنیچه محل گردد عده لازمه باقره معین میشود (پیشنهاد حاج شیخ اسدالله)

بنده پیشنهاد میکنم که سر باز گیری بتوسط هیئتی که از مأمور حکومت محل و مأمورین قشون و مالک سر بازرده بعمل آید (پیشنهاد حاج عزالمالک)

بنده پیشنهاد میکنم چنین نوشته شود ماده ۹ - تعیین افراد قشونی هر مجلس مطابق بنیچه با مراعات شرایط ماده ۵ از طرف مأمورین سر باز گیری بعمل آمده در صورتیکه افراد بنیچه دارای شرایط سر باز شدن باشند باید حتما داخل خدمت سر بازرده شده اگر اشخاصی دارای شرایط مزبوره اضافه بر ماخذ بنیچه محل باشند عده باقره معین میشود چنانچه عده کافی موافق شرایط سر بازرده در نتیجه نباشد مالک میتواند ضمانت نموده از اشخاص دیگر این نقصان را تامین کند .

رئیس پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله و آقای حاج شیخ حبیب الله و آقای آقا سید فاضل و آقای مدرس تقریباً یکی است برای این چهار پیشنهاد یکم را میگیریم توضیحش را بفرمائید .

مدرس - گمان میکنم بعد از این مذاکرات لازم بتوضیح نباشد فرض ما این است که در این اول قدمی که انشاء الله الرحمن میخواستیم بقشون گیری موفق شویم حتمی شود که اسباب زحمت برای مردم نباشد با این تجربیاتی که سابق کرده ایم گمان میکنم باین زودی این اخلاق از میان ما بر طرف نشود و اگر اختیار را بدست مأمورین بدهیم اسباب زحمت و صدمه خواهد شد ولیکن بعد از اینکه در قانون شرایطی ذکر کردند ولو اینکه چندین شرط دیگر هم بکنند آنوقت صاحبان بنیچه دارنده آن شرایط را با مأمورین وزارت جنگ تسلیم میکنند و اگر مأمورین وزارت جنگ دیدند دارای شرایط هست قبول میکنند و اگر دیدند دارای شرایط نیست رد میکنند و کسی را که دارای شرایط باشد میخواهند این پیشنهاد ها باین نقطه نظر شده است حالا دیگر آقایان مختارند

رئیس آقای مخبر کدام یک از این پیشنهاد ها را قبول دارید ؟

مخبر - پیشنهاد آقای میرزا محمد علی خان را قبول دارم .

رئیس - مابقی را رای بگیریم ؟

مخبر - بلی .

رئیس - رای میگیریم پیشنهاد آقای مدرس و آقای سید فاضل و حاج شیخ حبیب الله و حاج شیخ اسدالله

معرف است که تقریباً قریب بانمام است که دوسه فقره کوچک او باقی است و بودجه وزارت خارجه است که شروع بنمادگره آن در کمیسیون بودجه شده است و یکی هم بودجه وزارت فوائد عامه است که به مجلس آمده است و هنوز طبع و توزیع نشده است و یکمسیون بودجه فرستاده نشده است وزیر مالیه اظهار کردند که بودجه وزارت جنگ و پست و تلگراف هم حاضر است و بمجلس تقدیم خواهد شد نمیدانم خدمت آقای رئیس تقدیم شده است یا خیر؟ ولی عمده نظر کدر واقع اساس بودجه ها است بودجه وزارت مالیه و بودجه وزارت داخله است که تا بحال باقی مانده و بواسطه این بوده است که وزیر مالیه اشکالاتی نسبت به بودجه وزارت مالیه در نظر داشتند و عقیده شان این بود که باید دقت شود و بعد از مذاقه فرستاده شود مخصوصاً بملاحظه تشکیلات مالیه که میخواهند شروع نمایند اشکالات خودشان را اظهار مینمودند مهذا کمیسیون قانع نشد و فردا هم جلسه تشکیل خواهد شد و شاید در جلسه فردا مذاکره در آن خصصرص هم ختم شود که زودتر بودجه وزارت مالیه را پیشنهاد مجلس کنند نسبت به بودجه وزارت داخله هم اگرچه در مجلس موافق پیشنهاد خود بنده رای داده شد که کمیسیون حق داشته باشد در وزارتخانه ها برای تهیه بودجه ها حاضر شود ولی کمیسیون سعی میکرد در اینکه رفتن بوزارتخانه را حتی الامکان موقوف کند و خود مجلس این کار پیش برود ولی امروز از ناچاری اعضاء کمیسیون خدمت رئیس الوزرا رفتند و در خصوص بودجه وزارت داخله مفصلاً مذاکره شد و بعد از مذاکره معلوم شد که بودجه وزارت داخله هم تهیه شده است ولی چون آقای رئیس الوزرا سمت وزارت داخله را دارند قرار شده است خودشان هم در آن بودجه يك مذاقه بفرمایند بنا براین بودجه وزارت داخله را از معاون خودشان گرفته اند که هرچه زودتر نظریات خودشان را بفرمایند و بفرستند و گمان میکنم با این عملیاتی که شروع شده است بودجه این دو وزارتخانه هم پس از چند روزی بمجلس بیاید فرضاً هم موافقی پیش نیاید کمیسیون حاضر است و راپورت آنرا تقدیم مجلس خواهد کرد .

حاج سعید رضا - بنده دو سؤال داشتم یکی از آقای وزیر مالیه که جواب داده شد یکی دیگر از آقای وزیر داخله و میخواستم بدانم در امر نان چه اقدامی فرموده اند چون امسال یکقدری گندم کم است و ممکن است در زمستان دچار اشکالات و محظورات بشویم و باز مردم بیچاره درب دکان نانوا برای گرفتن نان التماس کنند ترتیبات آتیه چه شکل پیش خواهد آمد بنده میخواستم اقدامات آنها را بدانم که از این محظورات امسال آسوده خواهیم شد یا خیر؟ و طوری نشود که مردم از سختی بوزارتخانهها پناهنده شوند .

رئیس - آقایان را مسبوق مینمایم کمیسیون هائی که بنا بود معین شوند معین شده اند حالا باید آقایان تشریف ببرند و هیئت رئیسه کمیسیونها را معین کنند و قرار جلسات کمیسیونها را بدهند دستور روز ۵ شنبه هم بقیه قانون سرباز گیری خواهد بود (مجلس ۳ ربع ساعت از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۷۳

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه

چهارم شهر ذیحجه ۱۳۲۳

مجلس یکساعت و نیم قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل و صورت مجلس روز سه شنبه دوم قرائت شد .

غائبین با اجازه - آقایان شریعتمدار - حاج عزالمالک - نظام السلطان - آقا شیخ رضاده خوارقانی نجفقلی میرزا - صدرالملک .

غائبین بدون اجازه - آقایان ملک الشمره محمد هاشم میرزا - سردار متمد .

رئیس - در صورت مجلس آقایان ملاحظاتی دارند یا خیر (ملاحظاتی نبود) ایرادی نیست صورت مجلس تصویب شد - یکفقره قانون آقای وزیر مالیه راجع باسامی یانزده نفر که مطابق قانون تشکیلات مالیه باید از آن عده پنج نفر برای عضویت کمیسیون تطبیق حوالجات انتخاب شود فرستاده اند لایحه مزبور طبع و توزیع شده است اگر موافقتی باشد برای جلسه آتیه جزو دستور گذارده شود (گفتند صحیح است) دستور امروز بقیه شور اول قانون قشون گریست از ماده دهم .

(ماده دهم بقرار ذیل قرائت شد)

ماده دهم - در صورت خرابی و عدم استعداد یکی از مجلهای قشون شده که خرابی و عدم استعداد آنرا وزارت مالیه نیز تصدیق نموده باشد وزارت جنگ میتواند محل مزبور را از دادن کلیه یا قسمتی از عده بنبیجه معاف نموده از مجلهای مربوط همان حوزه که استعداد داشته باشد عوض بگیرد

حاج شیخ اسدالله - همچنانکه در معافیت نظر وزارت مالیه را در این امر دخالت داده اند و صحیح هم هست و باید وزارت مالیه نظرش در این امر دخالت داشته باشد همچنین لیاقت آن محل هائیرا هم که میخواهند بر آنها تحمیل بکنند باید وزارت مالیه تصدیق کند و در آن نظر داشته باشد و در صورتیکه از لیاقت و استعداد محل نسبت با استعداد مالیات یا بنیجه آن وزارت مالیه بهتر مسبقست هیچ سزاوار نیست نظر وزارت مالیه را در این مورد سلب کنیم و بکلی اختیار را بوزارت جنگ واگذار کنیم

سردار بهید مخبر - چنانچه یکی دو مرتبه در اینجا توضیح داده شد نظر وزارت مالیه را که ما در سرباز گیری دخالت دادیم بملاحظه این بود که سرباز بنیجه از روی مبلغ معین مالیاتی گرفته میشود و بنده هم نمیدانم در این جمله که نوشته شده است (و عدم استعداد آنرا وزارت مالیه نیز تصدیق نموده باشد) و جمله اخیر هم عطف براین جمله است از کجا معلوم میشود که وزارت مالیه حق ندارد در گرفتن سرباز دخالت داشته باشد این ماده این مطلب را رد نکرده .

آقا سعید فاضل - بنده از این تفکیک خیلی تعجب دارم کدر این ماده نظر وزارت مالیه در باب معافیت ملحوظ شده است ولی در باب تحمیل بر جاهائیکه استعداد دادن سرباز را دارند ابد این مسئله مراعات نشده است و این تحمیل را فقط بنظر وزارت جنگ موقوف کرده است بنده جداً عرض میکنم باید هم در معافیت هم در تحمیل بر جاهائیکه استعداد بنیجه

سربازی دارند نظر وزارت مالیه ملحوظ شود .
مخبر - در این ماده هیچ همچو چیزی نیست یعنی نظر وزارت مالیه را در گرفتن سرباز سلب نکرده است عرض کردم این جمله عطف بآن جمله اولی است یعنی وزارت جنگ می تواند بعضی محلها را از دادن سرباز بانظر وزارت مالیه معاف کند و همین طور بر بعضی محلها تحمیل کند و باز بنظر وزارت مالیه سرباز بگیرد .

حاج شیخ اسدالله - بنده تصور می کنم خود آقای مخبر تصدیق داشته باشند که نظر وزارت مالیه در اینجا هم باید ملحوظ شود پس بنا بر این بنده عقیده ام این است که ماده یکقدری واضح تر نوشته شود تا رفع اشکال بشود و يك پیشنهادیهم بنده میکنم که باین ماده ملحق شود که باید محلی که سرباز بآن تحمیل میشود و استعداد آنرا وزارت مالیه تصدیق کرده باشد آنوقت مطلب خیلی واضح تر و روشن شده و رفع اشکال میشود .

سردار معظم - بعقیده بنده در اینجا يك اشتباهی می شود و نظر وزارت مالیه در سرباز گیری هیچ مداخلت ندارد و نباید مداخلت داشته باشد مثلاً فرض بفرمائید اگر ما بخواهیم تحمیل يك مالیاتی بکنیم آیا بنظر وزارت فوائد عامه یا وزارت عدلیه مراجعه میکنیم خیر همچو کاری نمیکنیم پس معلوم است که وزارت جنگ هم مثل سایر وزارت خانه ها باید خودش در سرباز گیری يك اختیاری داشته باشد منتهی در کمیسیون ما بین معافیت و بر قراری سرباز فرق گذاشته شد زیرا آن وقتی که در بر قراری سرباز میشود شاید در معافیت آن نشود و به عبارت دیگر ممکن است يك جهات خصوصی يك محلی را زودتر از دادن سرباز معاف کند باینجهت قسمت معافیت از بر قرار کردن مشکل تر شده است زیرا ممکن بود فقط بوسیله يك مأموری عدم استطاعت محل را تحقیق بکنند آنوقت وزارت جنگ آن محل را از دادن سرباز معاف بدارد در صورتیکه شاید تمام نظر آن مأمور معطوف بعدم استطاعت محل نبود بنا بر این نظر وزارت مالیه را در اینجا محفوظ داشتیم که وزارت مالیه هم از نقطه نظر مالیاتی هم از نقطه نظر افراد که راجع بسرباز گیری میشود تفتیش بکنند و تصدیق خرابی آن محل را بنمایند پس در معافیت البته خیلی لازم و مقتضی است که هر دو وزارتخانه تفتیش بکنند و اطلاعات یکدیگر را تکمیل بکنند ولی آن اشکالیکه در معافیت هست در بر قراری نیست تا بگوئیم در این حق مشروع وزارت جنگ باید نظر شریک دیگری را هم که وزارت مالیه باشد ملحوظ بداریم .

رئیس - مذاکرات در این ماده کافست پیشنهادی اگر دارید بدهید تارای بگیریم

(پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله)
(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در آخر ماده (۱۰) این نوع اصلاح شود و نیز با استعداد آن محل را وزارت مالیه تصدیق کرده باشد عوض بگیرد
مخبر - این پیشنهاد را قبول میکنیم بکمیسیون ارجاع بفرمائید
رئیس - ارجاع میشود بکمیسیون ماده یازدهم